

آثار و برکات سید الشهداء علیه السلام

نویسنده: علیرضا رجالی تهرانی

مقدمه

۱- حضرت سیدالشهداء علیه السلام ، يك انسان كامل و شخصیتی استثنائی است که دارای ابعاد وجودی متعددی بوده و در چهره‌های گوناگونی برای مردم جهان با مشربهای مختلف ، جلوه کرده است . از این رو هر يك از آنها طبق مشرب خود، آثار و برکاتی را برای آن وجود شریف و نهضت مقدسش بیان می‌دارند، اما در این کتاب سعی شده، فارغ از هرگونه انحصارنگری، به بررسی آثار و برکات سیدالشهدا علیه السلام پرداخته شود.

۲- از آنجایی که سالار شهیدان يك امام است و امامان علیهم السلام به لحاظ مقام امامت، منشأ خیرات، برکات و آثار بسیاری هستند؛ آن حضرت نیز از آثار و برکات بی‌شماری برخوردار است . ولی بنای ما در این مختصر، بیان آثار و برکاتی است که می‌توان با استفاده از شواهد روایی و تاریخی در خصوص ابی عبدالله الحسین علیه السلام متذکر شد.

۳- شناسایی و بررسی موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران حسین بن علی علیه السلام می‌تواند در بیان و اهمیت آثار و برکات آن حضرت و حماسه کربلا، نقش مهمی را ایفا کند، که این مسئله نیز سعی شده در کتاب از نظر نگارنده دور نباشد.

۴- این کتاب که در نوع خود از اسلوب ، تقسیم و تدوین جدید برخوردار است بدان جهت نگارش یافت که عاشقان و دوستداران سید الشهداء علیه السلام از آثار، برکات و فوایدی که آن امام شهید، در دنیا و آخرت، برای دوستدارانش دارد آگاهی بیشتری حاصل کرده تا در جهت معرفت و ازدیاد عشق و محبت به آن حضرت، تلاش جدی‌تر از خود نشان دهند.

۵- اگر چه به نظر می رسد که باید طبق نام کتاب، مطالب، در دویخش : «دنیا و آخرت» تدوین می شد؛ ولی به خاطر پرهیز از عناوین تکراری و جلوگیری از پراکندگی مطالب، کتاب را به صورت حاضر تدوین کرده و دو مقوله دنیا و آخرت را در هر یک از عناوین کلی داخل نمودیم .

۶- نظر به اینکه مقصود نگارنده از نگارش این کتاب، معرفی و بیان اجمالی آثار و برکات سیدالشهداء علیه السلام بوده است ، از شرح و بسط زیاد مطالب پرهیز نموده و به عناوین و توضیحی کوتاه بسنده شده است .

۷- به امید آنکه این مختصر ، مورد قبول حضرتش واقع شده ، و برای عاشقان و دلباختگان آن عزیز ، در جهت شناخت اثرات و برکات وجودی وی مؤثر افتد .

تهران - فروردین ۷۵
علیرضا رجالی تهرانی

فصل اول : آثار و برکات فردی سیدالشهدا علیه السلام

– ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ –

من آن نورم که در شبهای تاریک چراغ رهنمای کاروانم
در این دریا منم آن ناخدایی که کشتی را به ساحل می‌رسانم

روایت شده که امام حسین علیه السلام فرمود:
«خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم در
حالی که ابی بن کعب هم آنجا بود. حضرت
رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مرحبا به تو ، ای
ابا عبدالله ، ای زینت آسمانها و زمین .
ابی گفت : چگونه او زینت آسمانها و زمین
است در صورتی که کسی غیر از تو چنین
نیست؟ حضرت فرمود: ای ابی ، قسم به کسی
که مرا به حق به نبوت مبعوث کرد، حسین
بن علی در آسمان بزرگتر از روی زمین
است، و همانا بر طرف راست عرش الهی
نوشته شده است که او چراغ هدایت و کشتی
نجات است » .^۱

یکی از برکات فردی حضرت سیدالشهدا
علیه السلام این است که او «چراغ هدایت» و «کشتی
نجات» است . اگر چه همه پیامبران و
امامان علیهم السلام چراغها و انوار هدایت و
کشتیهای نجات و رهایی اند، چنانکه
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «انما مثل اهل
بیتی فیکم کمثل سفینة نوح من دخلها نجا،
و من تخلف عنها هلك» .^۲

همانا خاندان و اهل بیت من در میان
شما مانند کشتی نوح است که هر کس داخل
آن شود نجات پیدا کرده و هرکس که از آن
تخلف کند هلاک خواهد شد.

اما کشتی نجات حسین علیه السلام حرکتش بر امواج
گسترده دریا، سریعتر و لنگر انداختن و

پهلو گرفتن آن بر ساحلهای نجات آسانتر بوده و دایره بهره‌وری و استفاده از نور مشعل وجود حسین علیه السلام وسیعتر است .

در آن زمانی که امواج بلند و سهمگین فساد و گناه بر پیکره نیمه‌جان جامعه اسلامی، و جان و دل مسلمانان، تازیانه مرگ می زد و گرداب حوادث و توطئه‌ها و پلیدیها، خفتگان در بستر غفلت را بی‌رحمانه به قعر تاریکی و تباهی می کشید ، این حسین بود که با قیام و نهضت الهی خود و شهادت و اسارت اهل بیت خویش ، گرفتاران در این اوضاع خطرناک را از دریای پر تلاطم ساخته شده به دست فتنه‌گر «بنی امیه» نجات بخشید و با کشتی رهایی خود ، این خفتگان و غافلان و گرفتاران را به ساحل نجات رهنمون نمود .

آری ، حسین علیه السلام «مصباح الهدی» است تا در این ظلمتکده خاك، دلیل و راهنمای راه باشد؛ و «سفينة النجاة» است تا در اقیانوس متلاطم فتنه‌ها و ضلالتها، غرق شدگان را که کشتی شکسته بودند فریاد رس باشد .

١٣٤٠ - ١٣٤١

از جمله احادیث نبوی که در واقع بیانگر تأثیر پذیری معنوی مردم از وجود مبارك سيدالشهداء عليه السلام می‌باشد، حدیثی است که فرمود:

«ان للحسين محبة مكنونة في قلوب المؤمنين»^٣.

در کانون دل‌های مؤمنین، محبتی نهفته و ویژه نسبت به حسین وجود دارد. کیست که نام حسین عليه السلام را بشنود و فردی از افراد بشر یا تنی از اولاد انسان باشد و حالت انقلاب و انکسار و دل‌باختگی برای او فراهم نشود؟ محبت حسین عليه السلام دل‌ها را به التهاب در آورده و جگرها را گداخته و مذاب می‌سازد، و شورش دل و آتش درون را به ریزش قطرات اشک از دیدگان، آشکارا و عیان می‌کند.

در کجای دنیا دیده می‌شود که شیعه و دوستدار حسین در آنجا باشد و اقامه عزای حسینی نکند. کیست که پس از دادن عزیزترین محبوب و مطلوب خود به اندک فاصله و مختصر وقت و گذشتن کمتر زمانی، آن مصیبت را فراموش نکند؛ جز مصیبت حسین عليه السلام که با این همه طول زمان و گذشتن قرن‌ها، روز به روز این مصیبت تازه‌تر و شور و شراره‌اش بیشتر و بلندتر می‌گردد. آیا نه این، جذبه عشق و علاقه و تأثیر محبت و فرط دل‌بستگی و دل‌باختگی علاقه‌مندان نسبت به آن امام محبوب است؟

و ای بسا، نامحرمان در برابر عظمت و جلالت حسینی تسلیم شده و به تواضع و تکریم در مقابل نام مبارك حسين و جلال و مقام او قد خویش به تعظیم و تسلیم خم نموده و به دین و آیین حسینی گراییده و

از اکسیر محبت او مس خود را طلای ناب و زر خالص می‌گردانند.

به راستی، سنت الهی چنین بوده که محبت امامی که مسیر تاریخ را عوض کرده و دین الهی را نجات می‌بخشد به گونه‌ای خاص در دل و جان مسلمین و مؤمنین قرار گیرد، حتی کسانی که مقابل حسین علیه السلام قرار گرفتند به قول فرزدق: «دل‌هایشان با او بود، اگر چه بر اثر دنیا پرستی شمشیرهایشان بر روی او کشیده شد». چه رسد به مؤمنینی که عشق و محبت او با گل آنان سرشته شده است.

حتی محبت حسین علیه السلام در دل و جان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز ریشه دوانیده بود، به طوری که می‌فرمود: «هر گاه که به فرزندم حسین می‌نگرم، گرسنگی و اندوه از وجودم رخت بر می‌بندد». ^۴ و نیز می‌فرمود: «بار خدایا، من حسین را دوست دارم و آنان که دوستدار او هستند نیز دوست دارم». ^۵ راه حسین علیه السلام راه دل است، و هرگاه عاشقی به دل توجه کند او را پیدا می‌کند. لذا در برخی روایات وارد است که: «قبر او در دل‌های دوستداران اوست».

سلام از دوز و از نزدیک بهر او بود یکسان بلی قبر شریف او دل اهل یقین باشد

آری، دل مؤمن جایگاه تابش نور پر فروغ و احیاگر حسین است. و هرگاه عشق و محبت فراتر از آفاق ظاهری و مادی باشد، رنگ ابدیت به خود می‌گیرد، زیرا پیوند این محبت در حریم حب خدا بوده است و بقای آن به بقای فیض ذات سرمدی، جاودانه است، که گفته‌اند:

این محبت راز محبت‌ها جداست حب محبوب خدا حب خداست

شاهی که نه سپهر از او برقرار شد مایه‌ی که مهر و ماه از او کسب نور کرد

ٲٲٲٲ ٲٲ ٲٲٲٲٲ ٲٲ ٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲٲٲٲٲ

یکی دیگر از برکات فردی سیدالشهدا علیه السلام که از ارزش معنوی بسیاری برخوردار است ، این است که نه امام معصوم علیه السلام بعد از او از فرزندان گرامی آن حضرت می‌باشند ، و نسل امامان به برکت وجود او ادامه یافت . چنانکه از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «خداوند عوض قتل امام حسین علیه السلام چهار ویژگی به آن حضرت عطا فرموده است : اول - امامت را در ذریه او قرار داده است، دوم - شفا را در تربت آن جناب قرار داده ، سوم - کنار و زیر قبه او دعا مستجاب می‌باشد، چهارم - ایام زیارت کنندگان او از عمرشان حساب نمی‌شود» .^٦

از طرفی در روایات بر این امر تصریح شده که علی بن الحسین علیه السلام بعد از پدر به امامت رسیده است . چنانکه عبدالله بن عتبه روایت کرده : خدمت امام حسین علیه السلام بودم که پسر کوچکترش «علی» وارد شد. (یعنی حضرت سجاد علیه السلام که از علی اکبر کوچکتر بوده است . و این واقعه قبل از تولد علی اصغر می‌باشد). تا آنجا که می‌گوید: عرض کردم : اگر آن امری که از آن به خدا پناه می‌برم اتفاق افتاد ، به چه کسی رجوع کنیم؟ (یعنی امام بعد از شما کیست؟) فرمود: به این پسرم : علی ، او امام و پدر امامان است ...» .^٧

روایت در این زمینه زیادتر از آن است که در این مختصر بدانها پرداخته شود ، ضمن اینکه ادامه امامت از ذریه امام حسین علیه السلام به خاطر مشهور بودن آن ، نیازی به استدلال روایی بیشتر از آنچه ذکر شده ، ندارد .

باری ، استمرار خط مستقیم و هدایتگر
امامت به برکت وجود مقدس سیدالشهدا
علیه السلام است، و این از بزرگترین برکتهای فردی
و معنوی آن حضرت است .
او شفیع است این جهان و آن جهان این جهان در دین و آنجا در جنان

یکی دیگر از آثار و برکات فردی سید الشهداء علیه السلام که در نزد شیعیان اهمیت و جایگاهی خاص دارد شفاعت در آخرت است. شفاعت از ماده «شفع» به معنی ضمیمه کردن چیزی به همانند اوست، و از اینجا روشن می شود که باید نوعی شباهت و همانندی در میان آن دو بوده باشد، هر چند تفاوت‌هایی نیز در میان آنها دیده شود. به همین دلیل، شفاعت به مفهوم قرآنی آن بدین معنی است که: انسان گنهکار به خاطر پاره‌ای از جنبه‌های مثبت (مانند ایمان یا انجام بعضی از اعمال شایسته) شباهتی با اولیای الهی پیدا کند و آنها با عنایت و کمک‌های خود، او را به سوی کمال سوق دهند و از پیشگاه خدا تقاضای عفو کنند. و به تعبیر دیگر حقیقت شفاعت، قرار گرفتن موجودی قویتر و برتر، در کنار موجودی ضعیفتر، و یاری رساندن به او برای پیمودن مراتب کمال است. شفاعت در جوامع انسانی غالباً همان پارتی بازی و استفاده از رابطه است. اما شفاعت مورد نظر در قرآن کریم و روایات اسلامی، متوجه شایستگی‌های افراد است نه روابط شخصی بین شفاعت کننده و شفاعت شونده.

شفاعت اقسامی دارد که برخی از آنها نادرست و ظالمانه است و در دستگاه الهی وجود ندارد، ولی برخی صحیح و عادلانه است و وجود دارد. شفاعت غلط بر هم زننده قانون و ضد آن است، ولی شفاعت صحیح حافظ و تأیید کننده قانون است. شفاعت غلط آن است که کسی بخواهد از راه پارتی بازی جلوی اجرای قانون را بگیرد. برحسب چنین تصوراتی از شفاعت، مجرم بر خلاف خواست

قانونگذار و بر خلاف هدف قوانین اقدام می‌کند و از راه توسل به پارتی بر اراده قانونگذار و هدف قانون چیره می‌گردد. اینگونه شفاعت، در دنیا ظلم است و در آخرت غیر ممکن. ایرادهایی که بر شفاعت می‌شود بر همین قسم از شفاعت وارد است، و این همان است که قرآن کریم آن را نفی فرموده است.

شفاعت صحیح، نوعی دیگر از شفاعت است که در آن نه استثنا و تبعیض وجود دارد و نه نقض قوانین و نه مستلزم غلبه بر اراده قانونگذار است. قرآن این نوع شفاعت را صریحاً تأکید کرده است که این نیز بر دو قسم است:

۱- شفاعت «رهبری» یا شفاعت «عمل».

۲- شفاعت «مغفرت» یا شفاعت «فضل».

نوع اول شامل نجات از عذاب و نیل به حسنات و حتی بالا رفتن درجات می‌باشد، و نوع دوم شفاعتی است که تأثیر آن در از بین بردن عذاب و در مغفرت گناهان است، و حداکثر ممکن است سبب وصول به حسنات و ثوابها هم بشود ولی بالا برنده درجه شخص نخواهد بود.

با توجه به آنچه به طور اجمال در خصوص شفاعت گفته شد، لازم به ذکر است که یکی از شفاعت کنندگان از اهل بیت، حضرت سیدالشهدا علیه السلام است، ولی آن حضرت شفیع کسانی است که از مکتب او هدایت یافته‌اند، نه شفیع کسانی که مکتبش را وسیله گمراهی ساخته‌اند.

قرآن و مکتب حسینی ریسمانهایی هستند که قدرت دارند بشر را از چاه نگون بختی به اوج سعادت بالا برند: یکی «حبل من الله» و دومی «حبل من الناس» است؛ ولی اگر کسی از این دو حبل الهی سوء استفاده نمود، جرم از ریسمان نیست، علت این است

که او در سر سودای بالا رفتن نداشته است، و البته چنین مردمی به وسیله قرآن و مکتب حسینی به قعر دوزخ برده می‌شوند.^۸ شفاعت به معنی وسیع کلمه، در هر سه عالم (دنیا، برزخ و آخرت) صورت می‌پذیرد، هر چند محل اصلی شفاعت و آثار مهم آن در قیامت و برای نجات از عذاب دوزخ است، از این رو سیدالشهداء هم در دنیا، هم در برزخ و هم در آخرت شفیع دوستداران و شیعیان حقیقی‌اش بوده و خواهد بود.

چنانکه در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «برای ما شفاعت است و برای دوستان ما نیز شفاعت است».^۹ و در روایتی دیگر آمده است: «شافعان امامان هستند و دوستان مؤمنانند».^{۱۰}

و معلوم است که امام حسین علیه السلام یکی از امامان معصوم بوده که در قیامت و محشر کبری از شیعیان و دوستانش شفاعت می‌کند. به طوری که یکی از راویان گوید: روایتی از قول ابی عبدالله الحسین علیه السلام به من رسیده بود که آقا فرموده است: «هر کس پس از مرگ من مرا زیارت کند، پس از مرگش من هم او را زیارت می‌نمایم». این روایت در ذهن من بود، تا اینکه شبی در عالم واقع ابی عبدالله الحسین علیه السلام را دیدم، گفتم: آقا این روایت درست است و از شماست؟ «قال: نعم، ولو كان في النار اخرجته منها» فرمود: آری، هر چند در آتش باشد او را بیرون می‌آورم. عرض کردم: آیا از این به بعد این روایت را بدون واسطه از خود شما نقل نمایم؟ فرمود: آری.^{۱۱}

به محشر که کسی نیست غمخوار کس شفیع محبان، حسین است و بس

ترا ز باب حسینی برسد جانب جنت ترا که عاشق اویی، ترا که شیعه اویی

□ - ﻳﯘﺋﯘﻫﻔﻪﻳﻪﻥ ﻳﯘﺋﯘﻫﻔﻪﻳﻪﻥ ﻳﯘﺋﯘﻫﻔﻪﻳﻪﻥ ﻳﯘﺋﯘﻫﻔﻪﻳﻪﻥ ﻳﯘﺋﯘﻫﻔﻪﻳﻪﻥ
 hTÜ3FRsY¯ yÜ

یکی دیگر از آثار و برکات فردی سید
 الشهدا ﷺ که در سرای دیگر ظهور کرده و
 جلوه‌نمایی می‌کند، بهشتی شدن دوستان و
 حتی دوستان و دوستان آن حضرت است.
 چنانکه حذیفه بن یمان گوید: رسول خدا
 ﷺ را دیدم که دست حسین بن علی ﷺ را
 در دست خود گرفته بود و می‌فرمود:

«یا ایها الناس، هذا الحسین بن علی
 فاعرفوه ، فوالذی بیده ، انه لفی الجنة
 ، و محبه فی الجنة ، و محبی محبیه فی
 الجنة»^{۱۲}.

ای مردم ، این حسین بن علی است ، او
 را بشناسید؛ سوگند به آن خدایی که جانم
 به دست اوست، به راستی او در بهشت است،
 و دوستان او نیز در بهشت است ، و
 دوستان دوستان او نیز در بهشت می‌باشد.
 و از امام موسی بن جعفر ﷺ روایت شده
 که فرمود:

«رسول خدا ﷺ دست حسن و حسین ﷺ را
 گرفت و فرمود:

«هر کس این دو پسر و پدر و مادر آنان
 را دوست داشته باشد، روز قیامت من با من
 خواهد بود»^{۱۳}.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «آگاه
 باشید، همانا حسین ﷺ دری از درهای بهشت
 است، هر کس با او دشمنی کند خدا بوی
 بهشت را بر او حرام می‌کند»^{۱۴}.

و معلوم است که این مقام عظیم تنها با
 محبت ظاهری حاصل نمی‌شود، بلکه مقصود،
 محبت خاصی است که مخصوص کسانی می‌باشد که
 در درجات بالای ایمان هستند. اگر چه
 دوستی و محبت امامان معصوم و امام حسین
 ﷺ ثمر بخش است ولی احراز مقام والای

معیت بارسول خدا ﷺ در بهشت برین ،
محبتی فراتر از ظاهر می‌طلبید.

پی نوشتها :

- ۱ فرائد السمطين ، جوينی خراسانی ، ج ۲ ص ۱۵۵
- ۲ فرائد السمطين ، جوينی خراسانی ، ج ۲ ص ۲۴۶
- ۳ حماسهء حسینی ، استاد شهید مطهری ، ج ۳ ص ۲۴۷
- ۴ بحارالانوار ، علامه مجلسی ، ج ۴۳ ، ص ۳۰۹
- ۵ بحارالانوار ، علامه مجلسی ، ج ۴۳ ، ص ۲۸۱
- ۶ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج ۱۰ ص ۳۲۹
- ۷ اثبات الهداة ، شیخ حر عاملی ، ج ۵ ص ۲۱۵
- ۸ اقتباس از کتاب عدل الهی ، استاد شهید مطهری ،
ص ۲۴۱ تا ۲۴۶
- ۹ خصال ، شیخ صدوق ، ص ۶۲۴
- ۱۰ المحاسن ، ابی جعفر برقی ، ج ۱ ص ۲۹۳
- ۱۱ نقل از کتاب آیت الله شهید دستغیب ، ص ۱۰۵
- (#) - بی‌تی از نگارنده .
- ۱۲ بحارالانوار ، علامهء مجلسی ، ج ۴۳ ، ص ۲۶۲
- ۱۳ منتخب کامل زیارات ، ابن قولویه ، ص ۳۲
- ۱۴ سفینه البحار، محدث قمی ، ج ۱ ص ۲۵۷

۲-فصل دوم: آثار و برکات اخلاقی - تربیتی سید الشهداء علیه السلام

ٲٲٲٲٲٲ ٲٲٲٲٲ ٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ

اگر دیدی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است

یکی از آثار و برکات سیدالشهدا علیه السلام در بعد اخلاقی - تربیتی این است که قیام او باعث گردید در جامعه مسلمانان نوعی اخلاق جدید بلند نظرانه پدید آید و نظر انسان را به زندگی خود و دیگران، دگرگون سازد تا بتواند بدینوسیله جامعه را اصلاح نماید. و به عبارت دیگر، با خودسازی به دیگر سازی نیز پردازد.

آری، در آن زمانی که بنیاد روانی و اخلاقی مردم در هم ریخته و ویران شده بود و این ویرانی شامل رهبران مسلمین و بزرگان آنان نیز شده بود و با اخلاق و شیوه‌ای وحشتناک زندگی می‌کردند، امام حسین علیه السلام یگانه درمان آن حالت بیمارگونه را که در مجتمع مسلمانان مورد قبول واقع شده بود، در قیام آشکار و فریاد در آن سکوت مرگبار دید. لذا آن حضرت با خون پاک خود و فرزندان و یارانش و با همه اعتبارات احساسی و تاریخی، حتی شمشیر و عمایه جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله، وارد مبارزه گردید تا همه روزنه‌ها و راههای توجیه را فرو بندد.

سیدالشهدا علیه السلام نیک دریافته بود که وجدان شکست خورده و اخلاق پست امت را نمی‌توان به وسیله رویارویی ساده دگرگون ساخت، از این رو با قیام و شهادت خویش دیری نپایید که اخلاق هزیمت و فرار را به نیرویی عظیم درآورد و اخلاق جدیدی به جای آن جایگزین نمود. به راستی شهادت حسین

بن علی علیه السلام تأثیر ژرف و شگرفی بر شیعیان ساکن و ساکت به جای گذاشت ، و سرنوشت غم انگیز نواده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عواطف اخلاقی و مذهبی مردم را به هم ریخت.

در اثر قیام و شهادت امام حسین علیه السلام موجی در روح مسلمین به وجود آمد، حمیت و عزت، شجاعت و صلابت به وجود آمد، و احساسات بردگی و اسارتی که از اواخر حکومت عثمان و تمام دوره معاویه بر روح جامعه اسلامی حکمفرما بود، تضعیف شد و ترس آنها را فرو ریخت ، خلاصه ، ابا عبدالله علیه السلام به اجتماع اسلامی شخصیت داد.

کربلا و قیام سیدالشهدا علیه السلام نمایشگاه اخلاق عالی اسلامی و انسانی با همه صفات و طراوت آن بود و این اخلاق را نه به زبان که در عمل به خون پاک خویش بر صفحه ماندگار تاریخ به ثبت رسانید.

از پا حسین افتاد و ما بر پای بودیم زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم

- ṭ2Σρϕ2 ṭ2̄ ṭh ṭūfĀ - ŭϕYŪ -

یکی دیگر از آثار نهضت و شهادت سیدالشهدا علیه السلام این بود که مردم پس از مدت کوتاهی متوجه عدم توانایی و ضعف نفس خود شدند، لذا احساس عمیق ندامت و گناه کرده و چنین اندیشیدند که برای جبران این اهمال کاری و غفلت، و نیز برای طلب بخشایش الهی، باید جانبازیهای مشابهی را انجام دهند. و از جمله کارهای امام زین العابدین علیه السلام این بود که کوشید این احساس گناه را شعله ور سازد. از این رو به گروه انبوهی از مردم کوفه نهیب زده و فرمود:

«ای مردم، شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شما فراموش کردید که نامه‌ها برای پدرم نوشتید و چون به سوی شما آمد، به او خدعه و نیرنگ زدید؟! شما با پدرم عهد و پیمان بستید و با وی بیعت کردید، اما بیعت خود را شکستید و او را به قتل رساندید پس هلاکت بر شما باد و با این توشه‌ای که به آخرت فرستادید هلاکت بر شما باد. چه رأی زشت و پلیدی را که برای خود پسندیدید! آنگاه که به دیدار پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله می‌شتابید و به شما بگوید: «عترت مرا کشتید، هتک حرمت مرا کردید.» با چه دیده‌ای به او نظر خواهید کرد؟ و سرانجام به شما خواهد گفت: «از امت من نخواهید بود»^{۱۰}.

این احساس گناه عامل همیشه شعله‌وری بود که مردم را برای شورش و انتقام جویی همواره به جلو می‌راند.

استاد «عادل ادیب» در این باره می‌نویسد: شهادت فجیع امام حسین علیه السلام در کربلا موجی شدید از احساس گناه در وجدان هر مسلمانی برانگیخت. آنان پی بردند که

می‌توانستند او را یاری دهند. اما از آن پس که با او برای قیام پیمان بستند، او را یاری نکردند. این احساس گناه دو جنبه داشت: از یک طرف انسان را وادار می‌ساخت که گناهی را که مرتکب شده با کفاره بشوید، و از طرف دیگر نسبت به کسانی که او را به ارتکاب چنین گناهی واداشته بودند، احساس کینه و نفرت کند. به طوری که انگیزه انقلابهای متعددی که در اثر قتل امام علیه السلام برپا شد، همان کفاره یاری نکردن به حضرت او، و انتقام گرفتن از امویان بود.

مقدر چنین بود که آتش این احساس گناه، پیوسته برافروخته بماند و انگیزه انتقام از بنی امیه در هر فرصت به انقلاب و قیام بر ضد ستمگران منتهی گردد.^{۱۶} باری، بر اثر شهادت امام حسین علیه السلام این آیه شریفه مصداقی روشن یافت:

«و یوم یعض الظالم علی یدیه» .^{۱۷}

و روزی که ستمکار دستهای خود را از پشیمانی می‌گزارد.

سؤمین اثر مهم تربیتی قیام و شهادت
 سیدالشهداء علیه السلام ، بالا بردن محبوبیت
 خاندان حضرت علی علیه السلام در اجتماع اسلامی و
 شناساندن بیشتر و بهتر آنان به مردم
 بوده است .

مسئله داشتن محبوبیت و قبضه کردن
 افکار اجتماع از مسائل حیاتی و مهمی است
 که همواره مورد نظر حکومتها بوده و هست
 . حکومتها هر چند به طور اکثر تکیه گاه
 بزرگی جز قدرت ندارند، اما به خوبی می
 دانند که نیرومندتر از قدرت نظامی ،
 جایگاهی است که در دلهای مردم می باشد،
 وسیعی دارند آن را برای خویش به دست
 آورند . معاویه نیز با همه تلاشهای

شیطانی خود به طور کلی می خواست دو
 چیز را به دست آورد: یکی محبوبیت بخشیدن
 به خاندان و شجره خبیثه بنی امیه ، و
 دیگری سقوط خاندان و شجره طیبه حضرت علی
علیه السلام از محبوبیت . متأسفانه معاویه در این
 تلاش خود موفقیت بسیاری هم کسب کرد . اما
 با ظهور حماسه حسینی و جانبازیهای مردان
 راستین خدا، نفوذ معنوی و اعتبار روحانی
 عمیقی برای سیدالشهدا و اهل بیت علیهم السلام
 ایجاد نمود . به طوری که هر چه از آن
 واقعه می گذشت مردم بیشتری به خاندان
 حضرت علی علیه السلام جذب می شدند این محبوبیت
 رفته رفته چنان بالا گرفت که عده ای برای
 خونخواهی و به نام هوا داران از خاندان
 رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به قیام زدند .

آری ، اگر حسین بن علی علیه السلام پیش از نهضت
 مردانه اش به عنوان امام وقت و سبط
 پیغمبر و فرزند علی و فاطمه ، و بزرگترین
 شخصیت از خاندان وحی شناخته می شد، پس از

قیام با حفظ مقامات سابق، به نام
عالیترین و کاملترین نمونه مردانگی و
مجاهدت و فداکاری در راه خدا و حقیقت
شناخته شد.

«مسیوماربین آلمانی» در این خصوص
می‌نویسد: «مهمترین اثر این نهضت این بود
که ریاست روحانی که در عوالم سیاست
اهمیت شایانی داشت، مجدداً به دست
بنی‌هاشم افتاد، و به ویژه در بازماندگان
حسین علیه السلام مسلم گردید، و چندی طول نکشید
که (حکومت) ظلم و جور معاویه و جانشیان
او منهدم شد و در کمتر از یک قرن قدرت
از بنی امیه سلب گردید. منهدم شدن
(قدرت) بنی امیه به قسمی شد که امروز
نام و نشانی از آنها نمودار نیست و اگر
در متن کتب تاریخی نامی از این قوم ذکر
شده در تعقیب آن هزاران نفرین و ناسزا
هم نوشته شده است، و این نیست مگر به
واسطه قیام امام حسین علیه السلام و یاران با
وفای او» ^{۱۸۰}

پی نوشتها:

- ۱۵ سیره امامان، سید محسن امین، ص ۱۸۸
۱۶ زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، عادل ادیب، ص
۱۴۹
۱۷ سوره فرقان، آیه ۲۷
۱۸ نقل از کتاب درسی که حسین به انسانها آموخت
شهید هاشمی نژاد، ص ۴۴۵

فصل سوم: آثار و برکات سیاسی - اجتماعی سید الشهداء علیه السلام

- ﴿لَا تَجِدُ أُمَّةَ دِينَهُ إِلَّا فِي الْيَوْمِ الَّذِي بَدَأَهُ﴾

او کشته شد که دین خدا جاودان شود جان جهان فداش که بی مثل و گوهر است

اوضاع عمومی اسلام و مسلمین بسیار ناراحت کننده بود. فعالیتها و تبلیغات مسموم بنی امیه علیه حضرت علی علیه السلام و خاندانش، و نیز تحریفات و بدعتهایی که زیرکانه در اسلام داخل کرده بودند، شرایط را جهت نابودی اسلام و محو نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله آماده کرده بود. خلافت الهی به حکمت سلطنتی و دیکتاتوری تبدیل شده بود. روح شریعت اسلام یعنی پرهیزگاری و عدالت، در اجتماع دیده نمی شد و از احکام اجتماعی دین فقط جمعه و جماعت، آن هم به صورت تشریفات وجود داشت؛ و گاهی همین صورت تشریفات نیز به بدعت و بلکه فسق و فجور می گرایید. اکثر قریب به اتفاق نسل مسلمان که آن روزها در شبه جزیره عربستان زندگی می کرد، در پایان خلافت عمر متولد و در عصر عثمان پرورش یافته و در آغاز حکومت معاویه وارد اجتماع شده بودند، لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را زیارت نکرده و شاید بتوان گفت مقام و منزلت خاندان وحی را درک نکرده بودند.

در رأس جامعه ای که دچار بی ارادگی و ضعف نفس شده بود، حاکمی فاسق و فاجر چون یزید لقب شریف امیرالمؤمنین و خلیفه مسلمین را به ناحق با خود یدک می کشید. يك جوان قمار باز و شرابخوار، بی بند و بار و صد در صد اهل دنیا و خوشگذرانیهای آن بر مردم حکومت می کرد يك مغز الكلی

که از نظر افکار ، نسبت به اسلام و مقدسات اسلام کمترین عقیده‌ای نداشت، و میمون بازی و هوسبازی از کارها و تفریحات روزانه‌اش بود . انسانهای خطرناک و دنیا طلب به فرمان او در تمام استانها و شهرستانها بر اوضاع مسلط و بر دوش مسلمانان سوار بودند.

در چنین وضع خطرناک و دردناکی ، امام حسین علیه السلام پای فشرد و عزم جهاد راسخ کرد و با تعداد معدودی از یاران ، همراه با زنان و کودکان به استقامت برخاست، و چنین فریاد کرد: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌شود؟ در این هنگام باید شخص مؤمن حقا و واقعاً طالب لقای پروردگارش باشد»^{۱۹}.

اگر دیدی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است

باری، مقاومت و پایداری سیدالشهدا علیه السلام بود که شریعت اسلام را بعد از اینکه در اثر طغیان معاویه و جور و بیداد او رو به اضمحلال گذارده بود، و تغییر و تبدیلی که او و پسر ناخلفش یزید در این دین بنا گذاشته و اساس دیانت را متزلزل بلکه مشرف به انهدام نموده بودند نجات بخشید. نهضت این بزرگوار و قیام نیرومندان‌اش، بقای دین را باعث گردیده، و با خون خود و اصحاب و یارانش، گلستان دین را آبیاری و نهال گلستان شریعت را سرسبز و شاداب نمودند . اگر نهضت مقدس حسین نبود از اسلام به غیر از اسلام اموی و از دین جز دین یزیدی و دین تشریفاتی چیزی باقی نمانده بود .

«مقرم» در کتاب مقتل خود می‌نویسد: نهضت حسین علیه السلام جزء اخیر از علت تامه جهت استحکام مبانی دین بوده، به طوری که این نهضت ، بین دعوت حق و حملات باطل، تفرقه

و جدایی انداخته ، حق و باطل را از یکدیگر جدا نمود . لذا گفته شده است :
دین را وجود مقدس محمدی شروع نموده و بقای آن به واسطه وجود مبارک امام حسین علیه السلام تداوم یافت . «الاسلام نبوی الحدوث و حسینی البقاء»^{۲۰}

این برکت بزرگ که به خاطر وجود شریف حضرت سیدالشهدا علیه السلام است، از تفسیر بعضی احادیث نبوی نیز به دست می‌آید، از جمله این حدیث معروف شریف که فرمود: «حسین منی و انا من حسین»^{۲۱}.

حسین از من است و من نیز از حسینم بفرمود احمد شه عالمین

بدین معنی که امام حسین علیه السلام سبط آن رسول گرامی بوده و از زبان مبارک نبوت و انگشت ابهام مقام رسالت تغذیه نموده و رشد و نمای او از شیره جان نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده است ، و از طرفی پیامبر از امام حسین است زیرا دین آن رسول خاتم ، به واسطه امام حسین و فداکاری و جان نثاری او به جهان و جهانیان نفوذ کرده و تجلیات و نورافشانی و گیتی شناسی خود را بعد از وفات پیغمبر معظم ، به وسیله شهادت و جانبازی و از مال و عیال گذاشتن این بزرگوار به عالمیان جلوه و ظهور داده است .

«واشنگتن ایروینک» مورخ آمریکایی گوید: «برای امام حسین علیه السلام ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد، لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلافت بشناسد . او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت. در زیر آفتاب سوزان سرزمین خشک و در روی ریگهای تفتیده عربستان روح حسین فنا ناپذیر است . ای پهلوان و ای

نمونه شجاعت و ای شهسوار من، ای حسین «.

خون او تفسیر اسلام مبین منجی و احیاگر شرع است و دین

۷۷۰۹۲ ۵ ۰ ۰۲۵ ۷ ۲!۵۵ ۲۵۲۷۵ ۷ ۰۲۰۴۴ -
۰۰۴۲:۵ ۳۷۲ ۷

از جمله آثار مهم سیاسی - اجتماعی قیام و نهضت حیاتبخش حسینی که به جای مانده، آشکار ساختن اسلام صحیح و احیای امر به معروف و نهی از منکر بود تا بطلان اسلام انحرافی اموی که پس از زمان رحلت نبی اکرم ﷺ صورت گرفت، روشن شود.

خاندان بنی امیه در تبلیغات خود، خویش را از خاندان رسول خدا ﷺ قلمداد کرده و اسلام را وارونه به مردم نشان داده بودند و ایشان را در امور دین به ادعای اینکه اولی الامر واجب اطاعه هستند در حیرت و سرگردانی گذاشته بودند؛ اما امام حسین علیه السلام با قیام خود همه این توطئه‌ها را به هم ریخت و اسلام اموی و دین یزیدی را از اسلام ناب محمدی جدا ساخت، و با نماز خونین خود در ظهر عاشورا، نماز را اقامه کرده عملاً معنا نمود.

چنانکه در زیارت وارث می‌خوانیم: «اشهد انک قد اقامت الصلوة و اتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر». بنابراین، نهضت و شهادت سیدالشهداء علیه السلام دو معنی داشت:

۱- نفی آنچه به نام اسلام مطرح بود، ۲- اثبات آنچه از اسلام فراموش گشته و انکار شده بود - مانند امر به معروف و نهی از منکر - و این هر دو با هم، یعنی «احیای اسلام محمدی».

پس از شهادت امام حسین علیه السلام، گروه مکتبی، به حرکت توده‌ای مخالف تبدیل شد که بدون استثنا همه مسلمین را در بر گرفت، زیرا مسلمانان به حقیقت اسلام و هدف تفکر مکتبی پی برده بودند، طرز تفکری که از روز اول، شعار حکومتی غیر

منحرف و صالح را فریاد می‌کرد. در آن زمان، تمام جهان اسلام دریافته بود که سکوت امت بر انحراف رهبری، خطایی فاحش به شمار می‌آید. زیرا این سکوت به فاجعه کربلا منجر شد. و همین امر آغازی شد برای انقلابها و امر به معروف و نهی از منکر. آری، کار انبیا و اولیای الهی در حقیقت امر به معروف و نهی از منکر و شناساندن معروف و منکر به مردم بوده است، و در این راستا، نه تنها به سخن بسنده نکردند که از درگیری و تحمل سختیها و دشواریهای آن نیز نهراسیدند. در این بین رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شتاب بیشتری به آن دو امر داده و با تلاش و پیگیری اسلام را پیروز کرد.

اما بعد از رحلت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مردم از خط مستقیم محمدی منحرف شدند و نا اهلان را به خلافت پذیرفتند که عامل مهم این مصیبت، جهل مردم و بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر بود. و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام با قیام مصلحانه خود احیاگر حقیقی این دو فریضه الهی است. چنانکه سر قیام خویش را «اصلاح نمودن امت جدش و امر به معروف و نهی از منکر» معرفی می‌نماید. او با قیام خود به این دو اصل اسلامی، اعتبار و آبروی شایسته داد و ارزش آنها را در جهان اسلام بالا برد، یعنی در حالی که دیگران آن را در مرز ضرر شخصی متوقف می‌کنند و ارزش آن را پایین می‌آورند، نهضت حسینی مرزی برای آن نمی‌شناسد.

گاهی گفته می‌شود: فقهای شیعه شرایطی را برای امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده‌اند که از آن جمله: ایمنی از ضرر بر جان و مال و ناموس است. پس شهادت حسین عَلَيْهِ السَّلَام چگونه امر به معروف و نهی از منکر و یا برانگیزاننده بر آن است؟

در جواب باید گفت: گاهی اوقات انسان با مسئله‌ای مواجه می‌شود که ناچار است بین از خود گذشتگی برای نجات دین و میهن از نابودی و هلاکت، و به زندگی خویش پرداختن و دین و وطن را رها کردن، یکی را انتخاب کند. و تردیدی نیست که او باید شهادت و از خودگذشتگی را اختیار کند. تا عمل کرده باشد به دو قاعده قطعی: «تقدیم اهم بر مهم» و «دفع ضرر اشد به ضرر اخف». و چنانکه می‌دانیم که در زمان خلافت یزید به جایی رسیده بود که قیام امری واجب و تکلیف الهی بود، اگر چه منجر به شهادت حسین علیه السلام و اسارت خاندانش گردد. و اگر ایمنی از ضرر، يك واجب مطلق بود و قیدی نداشت، هرگز جهاد در راه خدا بر مسلمانان واجب نمی‌گشت بلکه شهادت در راه خدا معصیت محسوب می‌شد! و حال آنکه چنین نیست.

استاد شهید مطهری (ره) در این باره می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر در مسائل بزرگ مرز نمی‌شناسد، هیچ چیزی، هیچ امر محترمی نمی‌تواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند. نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. این اصل دایر مدار این است که موضوع امر به معروف و نهی از منکر چیست. اینجاست که می‌بینیم حسین بن علی علیه السلام ارزش امر به معروف و نهی از منکر را چقدر بالا برد. همانطور که اصل امر به معروف و نهی از منکر را چقدر بالا برد. همانطور که اصل امر به معروف و نهی از منکر، ارزش نهضت حسینی را بالا برد، چون حسین بن علی علیه السلام فهماند که انسان در راه امر به معروف و نهی از منکر به جایی می‌رسد که مال و آبروی خودش را باید فدا کند، ملامت مردم را باید متوجه خودش کند؛ همانطور که حسین کرد».

آری، به برکت وجود مقدس حسین و نهضت
حیاتبخش وی و شهادت مظلومانه و در عین
حال رسواگر او، حقیقت اسلام تفسیر شد و
امر به معروف و نهی از منکر احیا گردید.
هرگز فنا نیافت بقای تو، زانکه یافت آزادی، بقای دگر از فنا تو

3UŪZϣzHŪ:Ǻ γ "zŭλFϷŪ Yγθ {h2zħ -'

یکی دیگر از آثار و برکات سیاسی - اجتماعی سیدالشهدا علیه السلام این بود که نه فقط با حرف که در عرصه عمل هم روح استقامت و پایداری و آزادیخواهی و حفظ کرامت و عزت نفس را در کالبد بی‌روح مسلمین در همه اعصار دمید.

سالار شهیدان در برابر نیروی مهیب ستم و قوه قاهره بنی امیه، بالاترین استقامت و مهمترین پایداری و شهادت را به خرج داده و در مقابل آنان مقاومت کرده و به انسانها درس حریت و آزادگی آموخت. آن حضرت در آخرین لحظات حماسه کربلا با بدنی مجروح و خونین، دشمن را طرف خطاب قرار داده و فرمود: «ای پیروان ابوسفیان، اگر دین ندارید پس در دنیا آزاد مرد باشید». حماسه عاشورا سراسر، شعارهای آزادی‌طلبی و استقامت و عزت نفس است. چنانکه آن حضرت در روز عاشورا ضمن گفتارهای گرم و آتشین خود فریاد می‌زد: «این ناپاک و فرزند ناپاک، مرا بین دو کار مخیر ساخت: یا ذلت را بپذیرم و در برابر یزید تسلیم شوم، و یا اینکه کشته گردم و به حکم شمشیر تن دهم! اما از ما خاندان پیغمبر ذلت به دور است، نه خدا برای ما ذلت می‌خواهد و نه پیامبر او و نه مردان پاک دل و مؤمن و نه آن دامنه‌های منزهی که ما را در میان خود پرورانده است»^{۲۴}.

آری، رمز موفقیت و راز پیروزی انسان در همیشه تاریخ بستگی به استقامت و پایداری در مقابل سختی‌های راه دارد و امام حسین علیه السلام با استقامت خود در برابر بنای شرك و اساس کفر و الحاد و بذل جان و تمام هستی خود در این راه مقدس، باعث

دمیده شدن روح پایداری و آزادگی در بین
مردم گشت، به طوری که در قیامهای بعد از
آن حضرت این امر به خوبی مشهود است .

-hOλa zŭOYazŭzŭ zZOãPŨ 3fzOϕY Rŭzŭ -□
θãzH

قیامهای مقدس بشری دارای دو مشخصه هستند: اول اینکه آنها برای مقامات عالی انسانیت و توحید و عدل و آزادی، و برای رفع ظلم و استبداد صورت می‌گیرند. دوم اینکه، برقی هستند در ظلمتهای سخت که معمولاً مورد تصویب «عقلای قوم!» قرار نمی‌گیرند. قیام امام حسین علیه السلام هر دو مشخصه را دارا بود، و یکی از آثار این قیام، جنبه الگویی آن برای سایر نهضتها و قیامهای به حق و الهی است. تمام انقلابهای مقدسی که در جهان اسلام پس از شهادت حسین علیه السلام تا زمان ما به وجود آمد، خمیر مایه اصلی آن، قیام آن حضرت بوده و هست و خواهد بود، قیامی که الهام بخش همه نهضتهای اصیل رهایی بخش گردید. و این اصلی است که خود امام حسین علیه السلام در «بیضه» - یکی از منازل بین مکه و کربلا - به همراهان و یاران خویش فرمود: «ولکم فیه اسوة»^{۲۵} در من برای شما نمونه و الگویی است. و چنانکه می‌دانیم این الگو، قیام بر علیه ظلم و فساد است، همان امری که باعث گردید خداوند متعال رسولش را در قرآن برای انسانها اسوه و الگو معرفی کند. و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برای شهادت حسین علیه السلام حرارتی در دلهای مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود»^{۲۶}.

«استاد حسن ابراهیم» در این رابطه می‌گوید: «کشته شدن امام حسین علیه السلام در تهییج شیعیان و وحدت بخشیدن به آنها تأثیر بسیاری داشت. قبل از این رخداد، شیعیان پراکنده بودند؛ زیرا شیعه گری با خون آمیخته گشت و در اعماق قلوب شیعیان، نفوذ کرد و عقیده راسخ آنان شد»^{۲۷}.

اثرات نهضت امام حسین از خود دستگاه اموی و دشمنان حضرت شروع شد. درست مثل آبی که با حرارت رو به جوشیدن می‌رود، پس از به جوش آمدن، نخست حبابهایی از ته دیگ بالا آمده و در روی آب می‌ترکد، پس از آن کم کم جوشیدن آغاز می‌گردد. انقلاب يك جامعه بر علیه دستگاه ظلم نیز به همین شکل است، اول انتقادهای و فریادهای عدالتخواهی و تظلم که به حکم حبابهای ته دیگ هستند از گوشه و کنار کشور بر می‌خیزند و رفته رفته جان گرفته و دیگ جامعه جوشیدن آغاز می‌کند و دستگاه ستم را آنقدر بالا و پایین می‌برد که به صورت کف بی‌ارزشی بر روی زمین می‌ریزد.

باری، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام بلافاصله این فریادها و انتقادهای که مقدمه فرو ریختن ارکان حکومت منحوس بنی امیه بود بلند شد. «سنان بن انس» هنوز از قتلگاه امام بیرون نرفته بود که یارانش به او گفتند: تو حسین بن علی، پسر پیغمبر، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را کشتی! تو مردی را کشتی که از همه عرب بزرگتر است و آمده بود تا حکومت را از دست بنی امیه بگیرد! اکنون پیش امرای خود برو و پاداش خود را بگیر و بدان که اگر تمام موجودی خزانه‌های خودشان را در برابر کشتن حسین به تو بدهند باز هم کم است.^{۲۸} و نیز «حمید بن مسلم» گوید: زنی را از طایفه «بکر بن وائل» که به همراه شوهرش بود در میان اصحاب عمر بن سعد دیدم که چون دید مردم ناگهان بر زنان و دختران حسین علیه السلام تاختند و شروع به غارت و چپاول نمودند، شمشیری به دست گرفت و رو به خیمه آمد و صدا زد: «ای مردان قبیله بکر، آیا لباس از تن دختران رسول خدا به یغما می‌رود؟ مرگ بر این حکومت صلی الله علیه و آله

غیر خدایی، ای قاتلان رسول خدا» در این هنگام شوهرش دست او را گرفته و به خیمه برگرداند.^{۲۹}

اینها و موارد بسیار دیگر، نخستین عکس العمل‌های مردم از واقعه جانسور کربلا بود که رفته رفته به وسعت آن افزوده می‌گشت، تا جایی که روح انقلاب در مکتب اسلام دمیده شد و مردم هرگاه رهبر لایقی می‌یافتند بر علیه حکومت نامشروع و فاسد بنی امیه دست به قیام می‌زدند، و شعار غالب انقلابها «خونخواهی حسین» بود. شمار این انقلابها زیاد است که ما در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

۱- انقلاب توابین: این انقلاب در کوفه بر پا گردید و واکنش مستقیم قتل امام بود، و انگیزه آن، احساس گناه به علت یاری نکردن امام پس از آنکه کتباً از او دعوت کردند به کوفه آید - بود. لذا کوفیان خواستند ننگی را که مرتکب شده بودند با انتقام از قاتلان آن حضرت بشویند و دست به قیام زدند. این واقعه در سال ۶۵ هجری روی داد.

۲- انقلاب مدینه: هدف این انقلاب خونخواهی نبود بلکه انقلابی بود علیه حکومت ستمکار بنی امیه. شرکت کنندگان در این قیام یک هزار تن بودند که به دست سپاهیان شام و با نهایت وحشیگری سرکوب گردید.

۳- قیام مختار ثقفی: این قیام در سال ۶۶ هجری در عراق به انگیزه خونخواهی امام حسین علیه السلام و انتقام از قاتلان او صورت گرفت. این انقلاب به رهبری مختار توانست در یک روز دویست و هشتاد تن از قاتلان امام حسین علیه السلام را به قتل رساند.

۴- انقلاب مطرف بن مغیره: وی در سال ۷۷ هجری بر علیه حجاج بن یوسف شورید و عبدالملک بن مروان را از خلافت خلع کرد.

۵- انقلاب ابن اشعث: او نیز بر علیه حجاج در سال ۸۱ هجری شورید و عبدالملک مروان را از خلافت خلع کرد. این شورش تا سال ۸۳ به طول انجامید. در آغاز، پیروزیهای نظامی به دست آورد اما بعدها شکست خورد.

۶- انقلاب زید بن علی: وی که از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام بود در سال ۱۲۲ هجری در کوفه قیام کرد، اما بی درنگ به وسیله سپاهیان شام که در آن هنگام در عراق بودند سرکوب گردید.

۷- قیام حسین بن علی، شهید فخر: «فخر» نام وادی و محلی است در قسمت غربی و یک فرسخی شهر مکه، و آن جایی است که حسین بن علی (صاحب فخر) بر علیه حکومت عباسی در سال ۱۶۹ هجری قیام کرد و با یاران خویش به شهادت رسید. وی یکی از سادات و علمای اسلام بود که برای عظمت تشیع با خون خویش پس از حدود یک قرن از ماجرای کربلا اثری عمیق در عالم تشیع بجای گذاشت.

این انقلابها و انقلابهای دیگر، نقش مهمی در برابر حکومتهای ناشایست وقت از نظر محفوظ ماندن ظواهر اسلام و نام مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و رعایت حقوق مردم ایفا کردند. و این نهضتها خود یکی از آثار مهم و ثمرات نهضت ریشه دار و عمیق سیدالشهدا علیه السلام بود. در زمان کنونی نیز خواستگاه انقلاب اسلامی ایران، مجالسی بود که به جهت بزرگداشت حماسه حسینی و واقعه عاشورا اقامه می گردید.

قیام حسینی نه تنها برای مسلمین بلکه برای غیر مسلمانان نیز که به دنبال

رهایی از ظلم و ستم بوده و هستند، سرمشق
قرار می گیرد. «مهاتما گاندی» می گوید:
من زندگی امام حسین علیه السلام آن شهید بزرگ
اسلام را به دقت خوانده ام و توجه کافی به
صفحات کربلا نموده ام و بر من روشن شده
است که اگر هندوستان بخواهد يك کشور
پیروز گردد، بایستی از امام حسین علیه السلام
پیروی کرده و سرمشق بگیرد. ^{۳۰}

حسین، کشته دیروز و رهبر روز است قیام اوست، که پیوسته نهضت آموز است

خون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدار کرد

از جمله آثار و برکات دیگری که قیام و شهادت سیدالشهدا علیه السلام در بعد سیاسی - اجتماعی داشت، بیدار شدن خفتگان و انتقال روح مبارزه جویی بر علیه ظلم و ستم بوده و هست.

برای تنویر ذهن و تصویر مطلب، لازم است به طور اجمال اشاره‌ای به وضعیت جامعه اسلامی آن دوران داشته باشیم. مردم آن زمان به چند دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: که قسمت عمده مردم را تشکیل می‌داد، کسانی بودند که در مقابل فساد معاویه، اراده خود را از دست داده بودند و به پستی و خواری ناشی از فساد که پیرامون خلافت اسلامی را فرا گرفته بود تن در داده بودند.

دسته دوم: کسانی بودند که منافع خصوصی خود را بر رسالت و امامت ترجیح می‌دادند. این دسته بر خلاف دسته اول فارغ از ظلم و انحراف بنی امیه بودند و آن را احساس نمی‌کردند.

دسته سوم: ساده لوحانی که فریب فرمانروایان بنی امیه را خورده بودند. و اگر نبود قیام و مقاومت امام حسین و اصحاب راستین پیامبر به رهبری اهل بیت علیهم السلام، ساده لوحان بسیاری فریب خورده و می‌گفتند که اگر این دستگاه سلطنتی و کارهای آن قانونی نبود، صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله خاموش نمی‌نشستند.

دسته چهارم: کسانی بودند که می‌پنداشت امام حسن علیه السلام خلافت را به معاویه واگذار کرده و با وی به خاطر اوضاع و احوال پیچیده زمان سازش نموده است! زیرا اگر چه برای مردم کوفه و عراق که از نزدیک در جریان بودند، ماجرای صلح تحمیلی

آشکار بود؛ اما مسلمانانی که در گوشه و کنار جهان اسلامی آن روزگار پراکنده بودند - مانند مردم خراسان - و از دور دستی بر آتش داشتند از ابعاد مسئله بی‌خبر بودند از این رو امام حسین علیه السلام با قیام خونین خود ثابت کرد که صلح برادرش به معنای کناره‌گیری از رسالت اهل بیت علیهم السلام نیست.

گذشته از این چهار دسته که در واقع جملگی در خواب خرگوشی مشترک بودند، دو دسته دیگر یعنی پیروان بنی امیه و یاران حقیقی امام حسین علیه السلام نیز وجود داشتند. زیرا اگر چه اصحاب سیدالشهداء بسیار اندک بودند ولی قابل ذکر است که برخی از شیعیان و علاقه‌مندان امام در سایر ایالت‌های اسلامی بودند و پس از اطلاع یافتن از دعوت حضرت، خواستند به او لبیک گویند ولی مرکز کوفه تحت کنترل شدید نظامیان عبیدالله بن زیاد بود و به هیچ وجه نمی‌گذاشتند کسی از آن خارج یا به آن وارد شود، و بسیاری از مسلمانان نیز در مناطق دور دست از این فاجعه به کلی بی‌خبر بودند که حساب آنها با سایرین جدا است.

با توجه به آنچه به طور اجمالی بیان شد، معلوم می‌گردد که مردم کوفه تا چه حدی در خواب خرگوشی فرو رفته بودند. که تمام فریادهای امام و یارانش را نشنیده گرفته و آسایش و رفاه طلبی، آنان را از هر نوع کمکی در راه نجات اسلام از انحراف باز می‌داشت.

در آن شرایط، انقلاب خونین سیدالشهدا علیه السلام تمام معادلات سیاسی دشمنان را بر هم زد و اوضاع اجتماعی آن زمان را دگرگون ساخت. جانفشانی شخصیت منحصر به فردی چون امام حسین علیه السلام که از نخبگان و

برگزیدگان و پیشوای علی الاطلاق مسلمانان بود و با فضیلتترین و نزدیکترین آنها به پیامبر اسلام ﷺ بود از طرفی خدایی بودن حرکت مصلحانه سیدالشهدا علیه السلام و گذشتن از همه هستی خود از طرف دیگر، و عمق فاجعه و مظلومیت آن امام عزیز از ناحیه سوم باعث گردید زنگ بیدار باش، خواب سنگین مردم را بر هم زند و مردگان را احیا کند، و درخت اسلام را که به پژمردگی روی آورده بود، با خون خود آبیاری کند و آنچنان طراوت و شادابی بخشد که تا ابد سر سبز و خرم باقی ماند.

در آن عصر قحطی حق جویان و حق مداران ، که ظلم و شرك و فساد، در پناه سرنیزه و کشتار، حکومت می‌کرد و سکوت بود و سکون ! حسین تازیانه فریاد بلند کرد و بر پیکر خفته ، بلکه مرده امت فرود آورد و چنان شور و حرکتی آفرید که آن مردم را بیدار بلکه زنده نمود، و با این بیداری از آنها پاسداری از انقلاب محمد صلی الله علیه و آله و عدل علی و صبر حسن علیه السلام ، و معنای قرآن و رسالت اسلام و خون خویش را طلب نمود.

خون امام حسین علیه السلام همانند آب حیاتی بود که در کالبدهای مرده و خشک و مأیوس جریان پیدا کرد و منشأ قیامهای بسیاری شد . و به راستی می توان گفت که عصر عاشورا پایان نهضت امام حسین علیه السلام نبود بلکه آغاز حرکت و اول بیداری ملت اسلام خصوصاً شیعیان بود.

«فلیپ حتی» در کتاب تاریخ عرب می نویسد: «فاجعه کربلا، سبب جان گرفتن و بالندگی شیعه و افزایش هواداران آن مکتب گردید. به طوری که می توان ادعا کرد که آغاز حرکت شیعه و ابتدای ظهور آن، روز دهم محرم بود».^{۳۱}

و «گیبون» مورخ مشهور گوید: «در طی قرون آینده بشریت و در سرزمین‌های مختلف ، شرح صحنه حزن آور مرگ حسین علیه السلام موجب بیداری قلب خونسردترین قاریان و خوانندگان خواهد شد». ^{۳۲}

بر لوح فتحنامه او شد شکست او مرد حق از شکسته شد هم مظفر است

□ - ﴿٥٨﴾ ۛ ۛ ۛ ۛ ۛ

با توجه به مفهوم پیروزی و شکست ، به این نتیجه می رسیم که پیروزی آن نیست که انسان از میدان نبرد سالم به در آید و یا دشمن خود را به خاک هلاکت افکند، بلکه پیروزی آن است که هدف خود را پیش ببرد و دشمن را از رسیدن به مقصود خود باز دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام در این خصوص فرموده است : «ما ظفر من ظفر الاثم به ، و الغالب بالشر مغلوب» ^{۳۳} کسی که گناه بر او پیروز شد، شکست می خورد و کسی که از راه بدی بر دشمن ظفر یافت در واقع مغلوب است .» از این رو اگر چه امام حسین علیه السلام و یارانش پس از يك نبرد خونبار و قهرمانانه به نور عظیم شهادت رسیدند، اما آنها هدف مقدس خود را به تمام معنی از آن شهادت پر افتخار گرفتند. و هدف این بود که به تکلیف عمل شده و ماهیت حکومت ارتجاعی و ضد اسلامی اموی آشکار شود و افکار عمومی مسلمین بیدار گردد، که این هدف به خوبی انجام گرفت .

رسوایی سران اموی و قاتلان امام حسین علیه السلام به حدی بالا گرفت که سرانجام پس از گذشت چند سال نه تنها هیچ کس از آل امیه جرأت نداشت نسبت خود را آشکار سازد بلکه بدنهای مردگان آنها را هم از قبر بیرون کشیدند و با آتش سوزاندند . آری، راه پیشرفت و پیروزی که داشت با سرعت فراوان برای آن دودمان کثیف در بین امت هموار می شد، بعد از واقعه کربلا یکباره درهم ریخت و با رسوایی بسیاری، بساط ابوسفیانان برچیده گشت.

«استاد نیکلسون» گوید: «حادثه کربلا، حتی مایه پشیمانی و تأسف امویان شد، زیرا این واقعه، شیعیان را متحد کرد و

برای انتقام امام حسین، هم صدا شدند و صدای آنان در همه جا و مخصوصاً عراق و ایرانیانی که می‌خواستند از نفوذ عربها آزاد شوند انعکاس یافت».^{۳۴}

یکی دیگر از شواهد شکست یزیدیان و بنی امیه ، زمانی است که امام سجاد علیه السلام در کوفه خطبه خواند و ماهیت پلید دشمنان خدا را برای مردم خفته و فریب خورده آشکار کرد. لذا مردم يك زبان عرض کردند: «ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله ، همه ما شنوا و مطیع و حافظ عهد و پیمان تو هستیم ، از تو روی بر نگردانده و تو را ترك نخواهیم کرد، پس خدا تو را رحمت کند، به ما دستور بده که همانا با دشمن تو دشمن و با دوست تو دوستیم ، تا یزید را بگیریم و از کسانی که به تو و ما ظلم نمودند، دوری بجویم ».^{۳۵}

آری ، امام حسین را کشتند، اما حسین که فقط جسم نیست، امام حسین يك مکتب است که بعد از مرگش زنده تر شد. و اگر چه در کربلا قیام قامت امام حسین علیه السلام را در خون کشیدند ، و نای حقیقت گوی او را بریدند، اما در حقیقت امام حسین زنده تر شد، او بزرگ مردی است که با شهادتش حرکتی عظیم و تحولی بزرگ در تاریخ ایجاد کرد و یزید و یزیدیان را رسوا نمود.

(حسان)، حسین ، به ظاهر اگر چه شد مغلوب شکست اوست، که در هر زمانه پیروز است

زخون سرخ قلبت ، نوری جهیدن گرفت که ظلمت جهل را ، صاعقه آسا برد

هفتمین اثر و برکت از آثار و برکات اجتماعی نهضت سید الشهداء علیه السلام این بود که با قیام و شهادت خویش مردم را از جهالت و گمراهی نجات بخشید. او خون دل خویش را در راه خدا بذل کرد تا امت را از حیرت ضلالت و جهالت که در اثر تسلط و تبلیغات مسموم بنی امیه پیش آمده بود برهاند. چنانکه در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام می خوانیم :

«و بذل مهجته فيك ، ليستنقذ عبادك من الجهالة و حيرة الضلالة» .
و حسین علیه السلام خون قلب خود را در راه تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و حیرت گمراهی برهاند.

استاد شهید مطهری (ره) در توضیح فراز مذکور می فرماید: «مقصود از جهالت مردم این نبود که چون مردم بی سواد بودند و درس نخوانده بودند مرتکب چنین عملی شدند، و اگر درس خوانده و تحصیل کرده می بودند نمی کردند. نه، در اصطلاح دین، جهالت، بیشتر در مقابل عقل گفته می شود و مقصود آن تنبه عقلی است که مردم باید داشته باشند (و به تعبیر دیگر قوه تجزیه و تحلیل قضایای مشهود و تطبیق کلیات بر جزئیات است و این چندان ربطی به سواد و بی سواد بودن ندارد. علم، حفظ و ضبط کلیات است و عقل قوه تحلیل است). به عبارت دیگر، امام حسین علیه السلام شهید فراموشکاری مردم شد، زیرا مردم اگر در تاریخ پنجاه - شصت ساله خودشان فکر می کردند و قوه تنبه و استنتاج و عبرت گیری در آنها می بود و به تعبیر سیدالشهدا علیه السلام که فرمود: «ارجعوا الی عقولکم» اگر به عقل و تجربه

پنجاه - شصت ساله خود رجوع می‌کردند و جنایتهای ابوسفیان و معاویه و زیاد در کوفه و خاندان اموی را اصولاً فراموش نمی‌کردند و گول ظاهر فعلی معاویه را که دم زدن از دین به خاطر منافع شخصی است نمی‌خوردند و عمیق فکر می‌کردند که آیا امام حسین علیه السلام برای دین و دنیای آنها بهتر بود یازید و معاویه و عبیدالله ، هرگز چنین جنایتی واقع نمی‌شد...»^{۳۶} .

آری ، امام حسین علیه السلام با نهضت مقدس خویش در آن ظلمت سخت و در میان یأسها و ناامیدیهای مطلق، و در موقعی که ستاره‌ای در آسمان بشریت دیده نمی‌شد، مانند برقی درخشید و مانند شعله‌ای حقانی فرا راه آدمیان ظاهرگشت . او به خوبی می دانست که تنها مردم نادان و گمراهانند که دست حکومت‌های ستمکار و بیدادگر و فاسد واقع می شوند ، به همین خاطر با بذل خون پاک خویش سعی کرد ملت جاهل و گمراه را از آن وضع خطرناک و دردناک نجات بخشد .

لذا امام صادق علیه السلام در فراز مورد بحث، هدف قیام حسینی را تنها فدایی امت گنهکار بودن و شفاعت از آنان در قیامت بیان نمی‌کند ، بلکه می‌فرماید: هدف، نجات دنیای انسانیت از جهالت و ضلالت بود.

پی نوشتها:

- ۱۹ بحارالانوار ، علامهء مجلسی ، ج ۴۴ ص ۳۸۱
 ۲۰ نقل از کتاب ابوالقاسم سحاب ، ص ۲۲
 ۲۱ كشف الغمة ، علامه اربلی ، ج ۲ ص ۶
 ۲۲ به نقل از کتاب شهید هاشمی نژاد، ص ۴۵۰
 (#) - بی‌تی از نگارنده .
 ۲۳ حماسهء حسینی ، شهید مطهری ، ج ۲ ص ۱۳۰
 ۲۴ تحف العقول ، محدث حرانی ، ص ۲۷۵
 ۲۵ تاریخ طبری ، ج ۷ ص ۳۰۰
 ۲۶ جامع احادیث الشیعه ، ج ۱۲ ص ۵۵۶
 ۲۷ ترجمهء تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۱ ص ۳۵۱
 ۲۸ تاریخ طبری ، ج ۴ ص ۳۴۷

- ۲۹ ترجمهء لهوف سید بن طاووس ، ص ۱۳۲
- ۳۰ نقل از کتاب شهید هاشمی نژاد، ص ۴۴۷
- ۳۱ درسی که حسین (ع) به انسانها آموخت ، شهید هاشمی نژاد، ص ۴۴۸
- ۳۲ همان مأخذ.
- ۳۳ نهج البلاغه ، صبحی صالح ، حکمت ۳۳۳
- ۳۴ ترجمه تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۱ ص ۳۵۲. به نقل از کتاب ماهیت قیام مختار ، ص ۲۰۱
- ۳۵ بحارالانوار ، علامه مجلسی ، ج ۴۵ ص ۱۱۲
- (#) - بی‌تی از نگارنده .
- ۳۶ حماسهء حسینی ، استاد مطهری ، ج ۳ ص ۴۷

۴- فصل چهارم: آثار و برکات زیارت سیدالشهداء علیه السلام

ÙhY00R_sPÙh2& ^-θü00z' {Z00zÜθ2. □ □ □ □ □ □ □
R!@PÜ0zβā

ای غمین ز اشتیاق حضرت او روز و شب مایل به زیارت او

تو از او دور نیستی بالله «قبره فی قلوب من والاه»

در طول تاریخ انسانهایی بوده و هستند که پس از مرگشان، زندگی و حیاتشان ادامه پیدا کرده و با مرگ بدنشان، وجودشان و شخصیت و اندیشه‌شان ادامه یافته است. مردان خدا و شخصیت‌های الهی، همانگونه که در زمان حیات خویش استوانه دین و محور انسانیت و پشتوانه حق و عدالت هستند، در زمان پس از مرگ نیز آرامگاه و زیارتگاهشان پشتوانه حق و عدالت و فضیلت است. و در این میان، زیارت مشهد حسینی از ویژگیهای برجسته‌ای برخوردار است. آنانکه توفیق پیدا می‌کنند و به زیارت مرقد مطهرش مشرف می‌شوند، روی به آستان امام حسین علیه السلام آورده و به جانب این مدرسه عشق و فضیلت و دانشگاه کمال و تربیت می‌گیریند. اینگونه تربیت اجتماعی و یک چنین موسسه تهذیب اخلاق و ادب، برای هیچ ملتی از ملل گیتی میسر و مقدور نیست.

البته ملحدین و معاندین و مخالفین مکتب تشیع به خیال خود شبهات و اشکالهای می‌کنند و می‌گویند: «زیارت قبور، بت پرستی است؟!» در حالی که هر کس که به زیارت قبور ائمه علیهم السلام می‌رود هرگز به عنوان «بت» آنها را زیارت نمی‌کند. چه کسی است که حسین بن علی علیه السلام را خدا

بدانند؟! شیعه، امام را مقرب درگاه خدا می‌داند و با توسل به او قربی به خدا پیدا می‌کند، همانطور که خودش در قرآن مجید فرمود: «به سوی او وسیله بگیرید»^{۳۷} امام را وسیله الهی می‌داند. زیرا توسل و شفاعت، بعدی از ابعاد زیارت است که زائر از این طریق خود را به درگاه الهی نزدیک می‌کند، و پیشوایان ما وعده فرموده‌اند که از زائران خود دستگیری کنند.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «هر امامی بر گردن دوستان و پیروانش عهد و پیمانی دارد و وفای به این عهد، زیارت قبر آنان ممکن می‌باشد. و کسی که به شوق زیارت آنها و با تصدیق به فضیلت آنها به سوی قبور آنها برود مورد شفاعت ائمه در قیامت قرار می‌گیرد.

پس هر زائری باید بکوشد تا از این شفاخانه فیض، استشفای دردهای درونی و امراض قلبی و اندرونی خود را خواسته، خواستار آن شود که صفای دل و دوستی خاطر و پاکیزگی روح و قداست روان و سلامت تن، از خدمت آفریدگار جهان به وی عطا گردد، تا اینکه هم ظاهر او به جمال و کمال آراسته شود و هم باطن وی از آلودگی‌ها پاک و مصفا گردد.

هر زائری که با معرفت و شناخت مقام صاحب این مرقد و اهداف او به زیارت برود، از صاحب قبر الهام می‌گیرد و اصول و تعالیم مکتب را به یاد می‌آورد، و هر زیارت و سلام او سرشار از این آموزشها و الهامها است.

از طرفی زیارتنامه‌های وارده، و خواندن هر کدام از آنها، خواننده و زائر را به دقت و تفکر واداشته، متذکر تاریخ و احوال انبیا و اولیای معصوم می‌گرداند. تأمل در زیارت عاشورا و دیگر زیارات، این مطلب را به خوبی روشن می‌سازد که

امامان به این وسیله در صدد ساختن انسانهای مؤمن و متعهد بوده‌اند ، لذا به آنها تعلیم داده‌اند که در زیارت امام حسین علیه السلام از خداوند بخواهند که زندگی و مرگشان را «حسین گونه» قرار دهد، و آنها را در دینا و آخرت همراه آن حضرت بدارد: «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد ، و مماتی ممات محمد و آل محمد ... و ان يجعلنی معکم فی الدنیا و الاخرة» .

به امید به اینکه خداوند متعال توفیق زیارت حضرتش را در دنیا و شفاعتش را در روز قیامت نصیب ما گرداند، به آثار و برکاتی که زیارت سیدالشهدا علیه السلام به دنبال دارد می‌پردازیم :

– ἡ ἀσφάλεια τοῦ ἰσλαμικοῦ ἠθικοῦ

قبل از آنکه به آثار و برکاتی که برگرفته از روایات اسلامی است اشاره کنیم ، این نکته لازم به ذکر است که زیارت مرقد شریف امام حسین علیه السلام مانند سایر ائمه ، به مردمان و زیارت کنندگانش ، نوعی آرامش و اطمینان میبخشد . در این عصر که انسان را موجودی مضطرب می نامند، و پیوسته دست به گریبان با پدیده های چون تردید، ناکامی، تشویش، ترس و ناسازگاری با محیط و زندگی ماشینی و محرومیت و جنگ و حتی کنار نیامدن خود است، و هر روز شاهد کاهشها و فرسایشها است و نمی تواند از اضطراب در امان بماند ، این زیارت مرقد مردان خدا و پیشوایان دین است که به انسان آرامش خاطر می دهد.

در زیارت يك نوع كمش و نیاز الزام آوری انسان را وا می دارد که فشارها و فریادهای درونی را از راهی خارج کند . زائر آن مرقد شریف در پرتو دعا و گفتگو با پاکان و استمداد از ارواح پاک مقربان درگاه الهی، نیرو گرفته و نابسامانیها را با توسل بدانها برخورد هموار می سازند ، و خستگیها و فشارهای وارد بر روان ، و نیز اضطرابها و یأسها را از خودمی زدایند و به آرامش و اطمینانی برای ادامه زندگی دست می یابند.

٠ - ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ

به امام صادق علیه السلام عرض کردند: کمترین اثری که برای زائر قبر امام حسین علیه السلام چیست؟ فرمود: «کمترین تأثیرش این است که خداوند متعال، او و خانواده و مالش را حفظ می کند تا به سوی اهل خویش برگردد، و چون روز قیامت فرا رسد، خداوند حافظ او خواهد بود.» ^{۳۸}

١ - ١١١١ ١١١١ ١١١١ ١١١١

زید بن شحام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: برای زائر قبر امام حسین علیه السلام چه می‌باشد؟ فرمود: «همانند کسی است که خدا را در عرش دیدار نموده باشد». گفتم: برای کسی که یکی از شما را زیارت کند چه می‌باشد؟ فرمود: «همانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت نموده است». ^{۳۹}

□ - 3TŭRzθ. ɛIh γ ˘ŭĤŭY {h# TηΘYǻθ˘

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا نزد شما
قبری است که هیچ فرد پریشانی نزد آن
نمی‌آید مگر آنکه خداوند از او دفع
پریشانی نماید و حاجتش را برآورد»^{۴۰}.
و نیز به ابوصباح کنانی فرمود: «همانا
نزد شما قبری است که هیچ فرد پریشانی
نزد آن نمی‌رود مگر آنکه خداوند از او
پریشانی را دفع نموده و حاجتش را
برآورده می‌نماید، و همانا نزد او چهار
هزار فرشته هستند که از هنگام شهادتش
آشفته و غم آلود تا روز قیامت بر او
می‌گیرند. هر کس او را زیارت کند، وی را
تا خانه‌اش بدرقه می‌کنند، و هر که مریض
شود به عیادتش می‌روند، و هر که بمیرد
جنازه‌اش را تشییع می‌کنند»^{۴۱}.

□ - K:Θ γ' εσδ̄ Θη ζFhūz'

امام باقر علیه السلام فرموده است : «شیعیان ما را به زیارت قبر حسین علیه السلام امر کنید ، زیرا زیارت او موجب فزونی در رزق و طول عمر و دفع بلایا و ناگواریها میشود » . ^{۴۲}

□ - ἰϋϐϋϛϛ Ἐϛϛϛ

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس حسین علیه السلام را زیارت کند در حالیکه عارف به حق او بوده و به امامتش اقرار داشته باشد خدای سبحان، گناهان گذشته و آینده اش را می‌آمرزد». ^{۴۳}

و جابر جعفی در ضمن يك حديث طولانی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «چون از نزد قبر حسین علیه السلام بازگشتی، ندا کننده‌ای تو را ندا می‌دهد که اگر آن را می‌شنیدی، تمام عمر را نزد قبر شریف حسین علیه السلام اقامت می‌گزیدی. آن منادی گوید: خوشا به حال تو ای بنده خدا که سود فراوان بردی و به سلامت (در دین) دست یافتی. عمل از سربگیر که گناهان گذشته ات آموزیده شد». ^{۴۴}

~ - ēŪŪ: eΣd :Ū -θŷz: RŷzŪ {hR,T ŪZΦγe
امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا ایام
زیارت زائران حسین بن علی علیه السلام از عمرشان
محسوب نگشته و جزء حیاتشان به شمار
می آید» .^{۴۰}

~ - cŭŕŷ " : ōŭŭ ōh ōzTh ŷ ǎŷǎ ~

عبدالله بن هلال به امام صادق عليه السلام عرض کرد:
فدايت شوم، كمترين نصيبي كه زائر امام
حسين عليه السلام دارد، چيست؟ فرمود: «اي عبد الله،
كمترين چيزي كه براي او مي‌باشد، اين است
كه خداوند او و خانواده اش را حفظ مي‌كند
تا وي را به سوي خانواده اش باز گرداند،
و چون روز قيامت فرا رسد، خداوند حافظ
او مي‌باشد» .^{٤٦}

hzn3e "k t22pā 3pāŭ θh eŭŭ: RŭT -^o

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس به زیارت
قبر حسین علیه السلام برود در حالی که عارف به حق
او باشد، خداوند نام او را در اعلی
علین می‌نویسد» .^{۵۲}

” - ἡ Κεφαλὴ τῆς Ἐκκλησίας “

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: ثواب کسی که
قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند، در حالی
که کبر و غرور نداشته باشد چیست؟
فرمود: «برایش هزار عمره و حج مقبول
نوشته می شود. اگر شقی باشد، سعید
نوشته می گردد، و پیوسته در رحمت الهی
غوطه ور خواهد بود» .^{۵۳}

٠٠ - ٠٠ zūdh̄n z̄az̄d̄p̄q̄a z̄ūh̄n ٠٠

معاویة بن وهب از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «ای معاویه، زیارت قبر حسین علیه السلام را از روی ترس وامگذار، زیرا هر که آن را ترک کند، چنان دچار حسرت می‌شود که آرزو نماید قبرش نزد او باشد. آیا دوست نداری که خداوند تو را در زمره کسانی به حساب آورد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و امامان معصوم علیهم السلام برایش دعا می‌کنند؟»^{٠٤}.

و نیز فرمود: «همانا فاطمه (س) دختر محمد صلی الله علیه و آله نزد زائران قبر فرزندش حسین علیه السلام حضور یافته و برای گناهانشان طلب آمرزش می‌کند»^{٠٠}.

~ - ʻhΨ 3pHF

امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که
خدای تبارک و تعالی، قبل از اهل عرفات،
برای زائران قبر حسین علیه السلام تجلی می نماید،
حوایج آنان را بر آورده می کند،
گناهانشان را آمرزیده و درخواستهایشان
را به اجابت مقرون می سازد، و سپس متوجه
اهل عرفات شده و در مورد آنان نیز
اینگونه عمل می کند.»^{۵۶}

امام صادق علیه السلام به عبدالملک خثعمی فرمود: «زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک مکن و دوستانت را نیز به آن فرمان بده، تا خداوند بر عمرت افزوده و روزیت را زیاد گرداند. خداوند سبحان زندگانی تو را در سعادت قرار خواهد داد، و نمی‌میری مگر سعادت‌مند، و تو را در سلك سعادت‌مندان خواهند نوشت» .^{۵۷}

~ - ʿθzKĭF ʿθzĭz ʿθh ʿyθ ʿθzĭd

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قبر حسین را در روز عاشورا زیارت کند ، همانند کسی است که در برابر او به خون خود غلطیده باشد» .^{۵۸}

30pā y' e' zūz. θŭzḥ θh tɸIəŃ θŭeɪ -' ~
R!ϕPŭŪzβā khŭɸ Rŭaŭ R!ϕPŭŪzβā vΣbŭI y'
فرمود: «هر کس می‌خواهد در جوار
پیامبر ﷺ و علی و فاطمه علیها السلام باشد،
نباید زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک کند»

۵۹

~ - ʿəzKİF ʾəθz ʾəh ʾyθ ʾəzı ʾəzı

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ کس در روز قیامت نیست مگر آنکه آرزو می‌کند که ای کاش از زائرین امام حسین علیه السلام می‌بود زیرا مشاهده می‌نماید که با زائران حسین علیه السلام به واسطه مقامی که در نزد پروردگار دارند، چگونه عمل می‌شود» .^{۶۰}

و نیز فرمود: «هر کس دوست دارد در روز قیامت بر سر سفره‌هایی از نور بنشیند پس باید از زائرین حسین بن علی علیه السلام باشد» .^{۶۱}
و زرارة بن اعین گوید: «امام صادق علیه السلام فرمود: «زائرین حسین یک برتری نسبت به سایر مردم دارند» پرسیدم : برتریشان چیست ؟ فرمود: «چهل سال قبل از مردم وارد بهشت می‌شوند در حالی که دیگران هنوز در حال حساب هستند» .^{۶۲}

‘ - 3zŭvθ :ŭ hzŭh# zŭz1

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «من تعهد می‌کنم که در روز قیامت هنگامه رستاخیز، ضمن ملاقات با زائر حسین علیه السلام، دستش را بگیرم و از مراحل هول‌انگیز و سختیهای قیامت نجاتش بخشیده و او را به بهشت وارد کنم»^{۶۳}.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قبر حسین علیه السلام را به خاطر خداوند و در راه خدا زیارت نماید، خداوند او را از آتش دوزخ آزاد می‌سازد، و روز ترس بزرگ (قیامت) او را ایمن می‌دارد. از خداوند نیز هیچ حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را طلب نمی‌کند مگر آنکه به او عطا می‌نماید»^{۶۴}.

این آثار و آثار دیگری که به خاطر اجتناب از طولانی شدن مطلب ذکر نکردیم، همگی به برکت وجود حضرت سیدالشهدا علیه السلام است که امیدوارم هر چه زودتر توفیق زیارت مرقد مطهرش نصیب تمام عاشقان گردد.

پی نوشتها:

- ۳۷ سوره مائده، آیه ۳۹
 ۳۸ ثواب الاعمال شیخ صدوق، ص ۱۱۶
 ۳۹ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۲۸۱
 ۴۰ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۳۳۷
 ۴۱ همان مأخذ.
 ۴۲ همان مأخذ، ص ۲۸۹
 ۴۳ کافی، مرحوم کلینی، ج ۴ ص ۵۸۲
 ۴۴ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۲۹۵
 ۴۵ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۰ ص ۳۲۲
 ۴۶ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۲۴۷
 ۴۷ امالی شیخ طوسی، ص ۵۵
 ۴۸ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱ ص ۱۶
 ۴۹ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۸۷
 ۵۰ سفینه البحار، محدث قمی، ج ۱ ص ۵۶۵
 ۵۱ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۳۰۶
 ۵۲ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۰ ص ۳۲۴
 ۵۳ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۳۲۸
 ۵۴ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۱۹۹
 ۵۵ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۲۰۴
 ۵۶ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۳۴۶
 ۵۷ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۲۹۲
 ۵۸ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۰ ص ۳۳۱

- ٥٩ وسائل الشيعة ، شيخ حر عاملي ، ج ١٠ ص ٢٣٠
٦٠ وسائل الشيعة ، شيخ حر عاملي ، ج ١٠ ص ٣٣٠
٦١ وسائل الشيعة ، شيخ حر عاملي ، ج ١٠ ص ٣٣١
٦٢ بحار الانوار ، علامه مجلسي ، ج ٤٤ ص ٢٣٥
٦٣ منتخب كامل الزيارات ، ابن قولويه ، ص ٢٧٨
٦٤ وسائل الشيعة ، شيخ حر عاملي ، ج ١٠ ص ٣٢٤

۵- فصل پنجم : آثار و برکات مرقد شریف سیدالشهداء علیه السلام

ÙhYOOORsPÛh2& hOO±eē {zOOzÛēz. □ □ □ □ □ □ □
R!@PÛvzβā

اگر چه قبر حقیقی سیدالشهدا علیه السلام در دلها و قلبهاست که بنای آن از دوران کودکی در سرزمین دل شیعیان و عاشقاناش گذارده شد؛ اما مرقد شریف آن حضرت همواره از آثار و برکات متعددی برخوردار بوده است .

ضریح مقدس و حرم مطهر امام حسین علیه السلام یادگاری از جان نثاری و فداکاری او و یارانش در راه خدا می باشد. مرقدی که جای عترت آدمیان برای ابد و دوام خواهد بود، و سزاوار است که این بارگاه شریف و غم انگیز و شور آفرین، همواره زیارتگاه مردم جهان شده و انسانها ، فداکاری و عشق و صفا را از خفتگان این مرقدهای شریف ، سرمشق گیرند.

حرم حسین کعبه دلهاست . و این کعبه طوافگاه زائران و قبله امیدواران و دارالشفای دردمندان و پناهگاه توبه کنندگان و گنهکاران است.

آری، عاشقان کویش و دلباختگان رویش ، پروانه وار خود را در اطراف ضریح مطهرش گردانیده و به آتش عشق و محبت او، پر و بال خویش را می سوزانند و اشک شوق و اشتیاق بر چهره و رخسار می افشانند، و بر مظلومی و مصیبت های او و خاندانش ناله سر می دهند به راستی « این چه شمعی است که جانها همه پروانه اوست» .

برگرد حریم تو ، که دست طلب ماست چون دامن شمعی است، که پروانه بگیرد

فضل و شرافت کربلا و مرقد مطهر سیدالشهدا علیه السلام چنان است که امام صادق علیه السلام

فرمود: «قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام از آن روزی که در آنجا دفن شد، باغی از باغهای بهشتی است» ^{۶۵}.

با ذکر این مختصر، شایسته است جهت آگاهی و آشنایی با چگونگی حرم و مرقد شریف امام حسین علیه السلام و تحولات عمارت شریف، مطالبی به طور اجمال ذکر گردد.

محل دفن آن حضرت که همان گودال قتلگاه است، اکنون دارای سقفی است که روی آن صندوق مبارک نهاده شده و روی صندوق، ضریح در میان روضه منوره، و روضه نیز در بین مسجد (مسجد بالا سر و مسجد پشت سر) و در طرف پایین پا در زاویه روضه قبور شهدا می‌باشد این مجموعه هم اکنون حرم امام حسین علیه السلام را تشکیل می‌دهد، و حرم نیز میان رواق و رواق در وسط صحن و صحن محور آبادانی زمین کربلا بوده و می‌باشد.

ضریح مقدس در وسط واقع است و از نقره خالص ساخته شده که در پیش روی آن با طلا و به خط نسخ نوشته شده: «**اولا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون**»، و در بالای سر، «آیه نور» نوشته شده است.

صحن مطهر حسین علیه السلام دارای هفت باب است که عبارتند از: ۱- باب قبله که ساعتی بر فراز آن نصب است، ۲- باب قاضی الحاجات ۳- باب زینبیه که در حدود تل زینبیه قرار دارد ۴- باب سلطانی ۵- باب بازار بزازها ۶- باب سدره که در شمال صحن بوده و به بازار و اطراف راه دارد ۷- باب صافی که به درب بین الحرمین نیز معروف است.

از اخبار چنین بر می‌آید که بارگاه حسینی هفت مرتبه - به غیر از عمارت موجود - بنا نهاده شده است.

عمارت اول: بارگاه سیدالشهدا علیه السلام پس از ساختن قبر شریف آن حضرت برای اولین بار

در دوران بنی امیه بنا گردید ، اخبار و روایات بسیاری آمده که در زمان بنی امیه سقفی بر روی مزار امام و مسجدی (ظاهراً توسط بنی اسد) نزدیک آن ساخته شد و تا زمان هارون الرشید (سال ۱۹۳) همچنان باقی بود .

عمارت دوم : بعد از تخریب مرقد شریف ، توسط هارون ، در زمان مأمون خلیفه عباسی، عمارت دوم بنا شد، و تا سال ۲۳۲ باقی بود .

اما از آن سال تا سال ۲۴۷ متوکل چهار بار امر به خرابی و انهدام قبر کرد، و اوقاف حایر مبارک را برد و ذخایر آن را تاراج کرد .

عمارت سوم : سومین بار مرقد مطهر امام به دست «منتصر» تجدید بنا شد، و تا سال ۲۷۳ باقی بود .

عمارت چهارم : تجدید بنای مرقد امام برای چهارمین بار به دست محمد بن زید بن حسن بن محمد بن اسماعیل بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب ، ملقب به «داعی صغیر» پادشاه طبرستان انجام گرفت .

عمارت پنجم : بنای عضد الدوله دیلمی بود، که در سال ۳۶۹ بنا شد، و در زمان او بود که رواقی به دست عمران بن شاهین معروف به «رواق عمران» در حایر حسین ساخته شد .

عمارت ششم : ششمین بار بارگاه حسین به دست حسن بن مفضل بن سهلان ابومحمد رامهرمزی ، وزیر سلطان الدوله دیلمی نوسازی شد .

عمارت هفتم : عمارت موجود است که در سال ۷۶۷ بعد از سرنگونی دولت آل بویه به سال ۳۱۰ به دستور سلطان اویس ایلخانی ساخته شد، و در سال ۷۸۶ فرزندش احمد بن اویس در تکمیل آن کوشید و تاریخ آن در

بالای محراب و نزدیک سر شریف آن حضرت
نگاشته شده است .^{۶۶}
و اما آثار و برکات مرقد شریف و حرم
مطهر سیدالشهدا علیه السلام عبارتند از:

با ذکر اجمالی تحولاتی که در عمارت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام صورت گرفته است به خوبی معلوم می‌گردد که زیارت قبر آن حضرت در مبارزه با حکومت بنی عباس تأثیر مهمی داشته است، و به همین دلیل بود که عباسیان قبر آن امام را دشمن خود می‌دانستند و به ویرانی آن دست می‌زدند، زیرا این قبر شریف به مرکز تجمع مخالفان و مبارزان تبدیل شده بود. مشاهده مزار و مرقد شهیدان کربلا و به نظر در آوردن آن مصائب جانگذار، حالت بیننده را دگرگون ساخته و استقامت حال او را به هم زده و وارونه می‌سازد، که چگونه عده‌ای قلیل در مقابل جمعی کثیر و سپاهی مجهز و مهیا تن به مرگ داده و روی عقیده و ایمان خود ثبات قدم داشته و تا آخرین قطره خون خود مبارزه و جانفشانی نمودند.

3YPU̇ {ũãfñθI QY~T QYg -

امام صادق علیه السلام فرمود: «ما بین قبر حسین علیه السلام تا آسمان، محل رفت و آمد فرشتگان الهی است».^{۶۷}

و نیز فرمود: «قبر حسین بن علی علیه السلام بیست ذراع در بیست ذراع است . آن باغی از باغهای بهشت ، و محل عروج فرشتگان به آسمان می‌باشد هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسلی نیست جز آنکه از خدا می‌خواهد که او را زیارت کند پس گروهی فرود می‌آیند و گروهی بالا می‌روند»^{۶۸}.

اگر انسان زائر ، حق امام را شناخته و با معرفت و ولایت او در کنار قبر مطهرش نماز گذارد ، مورد قبول حق تعالی قرار می‌گیرد . چنانکه امام صادق علیه السلام در شأن و مقام کسی که به مرقد و بارگاه شریف حضرت مشرف شده و نماز بخواند ، فرمود : «خداوند متعال اجر نمازش را قبولی آن قرار می‌دهد» ^{٦٩}.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «نماز در چهار مکان تمام خوانده می‌شود (یعنی اگر چه از حد مسافت شرعی هم بیشتر باشد اما شکسته نمی‌شود) : ۱- مسجد الحرام (مکه) ، ۲- مسجد الرسول (مدینه) ، ۳- مسجد کوفه ، ۴- حرم امام حسین علیه السلام» ^{۷۰}.

و نیز روایت شده که «ابن شبل» از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کنم؟ فرمود: پاک و خوب زیارت کن و نمازت را در حرمش تمام بخوان . پرسید نمازم را تمام بخوانم؟ فرمود: تمام . عرض کرد : بعضی از اصحاب و شیعیان شکسته می‌خوانند؟ فرمود: اینان دو چندان عمل می‌کنند» ^{۷۱}.

لذا چنانکه در رساله‌های عملیه نیز آمده است ، در حرم امام حسین علیه السلام می‌توان نماز را ، هم شکسته خواند و هم به برکت آن حضرت تمام بجا آورد.

□ - ḥūḥ ḥ hñ ṭhθyǎe ḡ ḡḏh ḥḥḥ

خداوند سبحان در ازای ایثار و فداکاری سیدالشهدا علیه السلام و تحمل هرگونه سختی چون تشنگی و غم و اندوه فراوان برای حفظ اسلام، در مرقد شریفش برکاتی را قرار داده که از جمله آنها اجابت دعا و برآورده شدن حاجات است. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس دو رکعت کنار قبر حسین علیه السلام نماز بخواند، از خداوند چیزی را مسئلت نکند جز اینکه به او عطا شود»^{۷۲}

و نیز فرمود: «خداوند در عوض قتل امام حسین علیه السلام امامت را در ذریه آن حضرت، شفا را در تربتش، اجابت دعا را در کنار مرقدش قرار داده، و ایام زیارت کنندگان او از عمرشان حساب نمی‌شود»^{۷۳}

پی نوشتها:

- ۶۵ سیرهء امامان (ترجمهء اعیان الشیعه)، علامه سید محسن امین، ص ۲۲۰- و زندگانی چهارده معصوم، عمادزاده، ج ۲ ص ۱۳۷
- ۶۶ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۰ ص ۳۲۳
- ۶۷ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۱۹۵
- ۶۸ منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۲۵۲
- ۶۹ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۰ ص ۵۴۹
- ۷۰ کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۲۴۸
- ۷۱ کامل زیارات، ابن قولویه، ص ۱۲۳
- ۷۲ امالی شیخ طوسی، ص ۳۱۷
- ۷۳ امالی شیخ طوسی، ص ۳۱۹

۶- فصل ششم : آثار و برکات تربت پاک سید الشهداء علیه السلام

ÙhYOOORsPÛh2£ ¨OO¯eF {ZOOWzÛe2. □ □ □ □ □ □ □
R!#PÛv2pā

سجده بر خاک تو شایسته بود وقت نماز ای که از خون جبینت به جبین آب وضوست

فضیلت و آثار و برکاتی که برای تربت حسینی است ، برای هیچ تربتی و قطعه‌ای از قطعات زمین نیست . خاک کربلا قطعه‌ای از بهشت است که خداوند قادر متعال به واسطه قدردانی از يك فداکار در راه دین که تمام هستی خود را فدا کرده ، در آن خاک ، برکت و فضیلت و شفا قرار داده است . کربلایش قطعه‌ای از جنت است باب نور و باب لطف و رحمت است

اما در اینکه چرا تنها این خاک دارای چنین ویژگیها و آثار و برکات است؟ باید گفت : هر چیزی که در این عالم ، شرافت ظاهری و یا معنوی پیدا می‌کند، یا به خاطر انتساب آن به خداوند سبحان و شرافت ذاتی است، و یا به خاطر وقوع امر خارق العاده و مهمی است که به آن شرافت و برکت داده است .

در تربت کربلا سیدالشهدا علیه السلام هر دو امر محقق شده است ، زیرا خاک کربلا بنا بر روایاتی ، هم شرافت ذاتی و خدا دادی ، و هم امر عظیم و واقعه‌ای مهم در آنجا واقع گردیده که آن شهادت حسین بن علی علیه السلام و یاران وفادارش می‌باشد ، لذا دارای فضیلت و آثاری خاص است .

آمده است که چون بر قبر امام حسین علیه السلام آب بستند، پس از چهل روز آب فرو نشست و اثر قبر محو گردید، یکی از اعراب بنی اسد آمد و از خاک قبضه قبضه برداشت و

بویید تا بر قبر حسین رسید، و چون او را
می‌بوسید گریه می‌کرد و می‌گفت: پدر و
مادرم به فدایت، چه اندازه خوشبویی که
قبر و تربت تو چنین خوشبو است، سپس
شروع کرد به سرودن:
خواهند نهن سازند قبرش ز حبیبش خوشبویی خاک قبر گردیده دلش

آری خاک مزار حسین علیه السلام سرمه چشم عاشقان
و شیفتگانش بوده و ایشان را مجنون وار
به سوی خود می‌کشاند.
از آنجایی که هدف این کتاب بر شمردن
آثار و برکات سیدالشهدا علیه السلام است، از
تفصیل در مطلب پرهیز کرده و علاقه‌مندان
به این مقوله را به کتابهای مربوط ارجاع
می‌دهد.
و اما آثار و برکاتی که می‌توان برای
تربت پاک حسینی برشمرد عبارتند از:

یکی دیگر از برکات و آثار خاک مزار امام حسین علیه السلام این است که سجده بر آن تربت پاک حجابهای ظلمانی را کنار زده و در توجه حق تعالی به نمازگزار مؤثر است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «همانا سجود بر تربت حسین علیه السلام حجابهای هفتگانه را پاره می‌کند».^{۷۰}

لازم به ذکر است که مراد از «حجاب» در کتاب و سنت، همان حجابهایی است که بین بنده و خالق حایل شده و او را از شهود خداوند محجوب می‌سازد که در مرحله اول، حجابهای ظلمانی و در مرحله دوم، حجابهای نورانی بر طرف می‌شود اما مراد از حجابهای هفتگانه، ظاهراً حجابهای ظلمانی است. سجده بر تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام این خاصیت را دارد که در صورت معرفت به حق حضرت و ولایت او، حجابها را دریده و راهگشای وصول به کمالات انسانی باشد.

و اما در خصوص اینکه در میان شیعه معمول است از خاک مقدس کربلا یعنی تربت کنار قبر سیدالشهدا علیه السلام خاک برداشته و با آن مهر درست کرده و غالباً در نماز، به آن سجده می‌کنند بدین خاطر است که از خاک زمین بوده و به تمامی خاکها می‌توان سجده کرد، و از طرفی خاک کربلا به لحاظ شهادت امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش شرافت پیدا کرده است، به طوری که اهل بیت علیهم السلام نیز به ما فرموده‌اند در هر نمازی که سجده بر تربت کربلا باشد خداوند آن نماز را به خاطر آن حضرت قبول می‌کند. چنانکه حضرت صادق علیه السلام از خاک کربلا درون کیسه‌ای ریخته و در سجاده همراه داشت، در هنگام

نماز آن کیسه را باز می‌کرد و بر آن سجده
می‌نمود.

از جمله آثار و برکات قطعی تربت پاک سیدالشہداء علیہ السلام شفا بودن آن برای دردها و آلام انسان است. روایاتی کہ دلالت بر این امر دارند بہ سہ دستہ تقسیم می‌شوند:

دستہ اول: روایاتی است کہ شفا بودن را برای تربتی کہ از خود قبر شریف برداشته شود مخصوص کرده است، چنانکہ امام صادق علیہ السلام فرمود: «بہ درستی کہ نزد سر حسین علیہ السلام تربت سرخی است کہ شفای ہر دردی غیر از مرگ می باشد». ^{۷۶}

دستہ دوم: روایاتی است کہ با تعبیرات مختلف توسعہ ای از بیست ذراع تا پنج فرسخ و یا دہ میل را برای آن قائل است. چنانکہ امام صادق علیہ السلام فرمود: «حریم مزار حسین علیہ السلام پنج فرسخ از چہار جانب قبر است». ^{۷۷}

دستہ سوم: روایاتی است کہ بہ طور مطلق جنبہ شفا بودن تربت را مطرح نموده اند. چنانکہ امام صادق علیہ السلام فرمود: «خاک مزار امام حسین علیہ السلام برای ہر دردی شفاست». ^{۷۸}

تا شفا بخشد روان و جسم ہر بیمار را در حریم وصل خود خاک شفا دارد حسین

و نیز امام رضا علیہ السلام فرمود: «خوردن گل، مانند خوردن مردار و خون و گوشت خوک، حرام است مگر گل مزار حسین علیہ السلام، بہ درستی کہ در آن شفای ہر درد و امنیت از ہر ترسی است». ^{۷۹}

حکایت: عالم زاہد پرهیزگار حجة الاسلام و المسلمین مرحوم آقای حاج شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی قدس سرہ نقل فرمودند: «من در زمان مرجعیت مرحوم آیت اللہ آخوندی خراسانی (رہ) کہ در نجف اشرف مشغول

تحصیل بودم مریض شدم و این بیماری مدتی طول کشید و پرستاری مرا بعضی از طلاب در همان حجره مدرسه بر عهده داشتند . پس از چندی بیماری من به قدری شدید شد که اطبا از شفا یافتنم مأیوس شدند و دیگر برای معالجه ام نیامدند، و من در حال تب شدید گاهی بیهوش می‌شدم و گاهی به هوش می‌آمدم .

یکی از رفقا که مرا پرستاری می‌کرد شنیده بود که عالم زاهد مرحوم آیه الله آقای حاج علی محمد نجف آبادی قدس سره مقداری از تربت اصلی حضرت سیدالشهدا علیه السلام را دارد. او به منزل معظم له رفته و از وی خواسته بود که قدری از آن تربت را بدهد که به من بخورانند تا شفا یابم . ایشان فرموده بود : من به قدر یک عدس تربت دارم و آن را گذاشته ام که بعد از مرگم در کفنم بگذارند . آن آقا ناراحت شده و گفته بود : حالا که ما از همه جا مأیوس شده و به شما پناه آورده ایم شما هم از دادن تربت خودداری می‌کنید؟ این بیمار در حال احتضار است و می‌میرد .

مرحوم آیه الله آقای حاج علی محمد، دلش به حال بیمار سوخته و قدری از آن تربت که از جان خودش عزیزترش می داشت به آن شخص داده بود . تربت را با آب مخصوصی که وارد شده در آب حل کرده و به حلق من ریخته بودند . من که در حال بیهوشی به سر می‌بردم ، ناگهان چشمان خود را باز کرده و دیدم رفقا اطراف بسترم نشسته اند ، خوب دقیق شدم و آنان را شناختم و قصه تربت را که به حلقم ریخته بودند برایم شرح دادند .

کم کم در خود احساس نیرو و نشاط کردم و حرکتی به خود داده نشستم ، دیدم نشاط بیشتری دارم برخاستم و ایستادم ، و چون یقین کردم که به برکت تربت مقدس امام

حسین علیه السلام شفا یافتم حال خوشی پیدا کردم و به رفقا گفتم : از شما خواهش می کنم که از حجره بیرون بروید، چون می خواهم زیارت عاشورا را بخوانم رفقا از حجره بیرون رفتند و من درب حجره را بستم و بدون احساس ضعف با آن حال خوشی که قابل و صف کردن نیست مشغول خواندن زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام شدم ^{۸۰} . «

آری ، شفای بیماران به وسیله تربت آن حضرت یکی از برکاتی است که خداوند متعال در عوض شهادت امام حسین علیه السلام به وی عطا فرموده است .

تربت راز شفای همه درد است حسین تن و جان را نبود مثل تو آگاه طبیب

□ - ἡμεῖς τὸν ἄνθρωπον τὸν ἁγίον ἡμεῖς ἐκείνους ἡμεῖς

صاحب کتاب «مدارك الاحكام» می نویسد: در زمان حضرت صادق علیه السلام زن زاینه ای بود، بچه هایی که از زنا به دنیا می آورد در تنور می انداخت و می سوزانید. وقتی که مرد، پس از غسل و کفن او را به خاک سپردند، اما زمین جنازه اش را بیرون انداخت. جای دیگر او را دفن کردند باز زمین او را نپذیرفت تا سه مرتبه، آنگاه مادرش به امام صادق علیه السلام متمسک شد: ای پسر پیغمبر به فریادم برس.

فرمود: کارش چه بود؟ عرض کردند زنا و سوزاندن بچه های حرامزاده. فرمود: هیچ مخلوقی حق ندارد مخلوقی را بسوزاند، سوزاندن به آتش مخصوص خالق است عرض کرد حالا چه کنم؟ فرمود: مقداری از تربت حسین علیه السلام با او در قبر بگذارید. تربت حسین علیه السلام امان است. همراهش گذاشتند زمین او را پذیرفت.

در توفیق مبارك حضرت حجة بن الحسن (عج) نیز اذن داده شده است. یکی از شیعیان به حضرت (در زمان غیبت صغری توسط نایب خاص حضرت) می نویسد: آیا جایز است ما تربت حسین علیه السلام را با میت در قبر بگذاریم، یا با تربت حسین روی کفن بنویسیم؟

حضرت در پاسخ مرقوم می فرمایند: هر دو کار پسندیده است. البته باید رعایت احترام تربت بشود. مهر یا تربت، مقابل یا زیر صورت میت باشد، بلکه به برکت خاک قبر حسین علیه السلام قبر میت محل امنی از هر بلا و آفت و عذابی گردد. ^{۸۲}

□ - ﴿٢٠٠﴾

از حضرت صاحب الزمان (عج) روایت شده که فرمود: «هر کس تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را در دست گیرد و ذکر را فراموش کند، ثواب ذکر برای او نوشته می‌شود». ^{۸۳}

و امام صادق فرمود: «یک ذکر یا استغفار که با تسبیح تربت حسین علیه السلام گفته شود برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود». ^{۸۴}

پی نوشتها:

- ۷۴ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج ۴ ص ۱۰۳۳
- ۷۵ کافی ، مرحوم کلینی ، ج ۴ ص ۵۸۸
- ۷۶ کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص ۲۷۲
- ۷۷ مکارم الاخلاق ، طبرسی ، ج ۱ ص ۳۶۰
- ۷۸ کافی ، مرحوم کلینی ، ج ۱ ص ۳۶۰
- ۷۹ تهذیب الاحکام ، شیخ طوسی ، ج ۶ ص ۷۴
- ۸۰ نقل از کتاب آیت الله شهید دستغیب ، ص ۱۶۶
- ۸۱ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج ۴ ص ۱۰۳۳
- ۸۲ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج ۴ ص ۱۰۳۳
- ۸۳ بحار الانوار ، علامه مجلسی ، ج ۴۴ ص ۲۸۰
- ۸۴ نقل از کتاب شهید هاشمی نژاد ، ص ۴۵۱

سلامت و تندرستی نوزاد است، و در واقع گریه در آن زمان، زبان طفل است.

۲- گریه شوق: مانند گریه مادری که از دیدن فرزند گمشده خویش پس از چندین سال سرداده می‌شود. و این گریه‌ای است که از روی هیجان و احیاناً جهت سرور و شادی به انسان دست می‌دهد.

۳- گریه عاطفی و محبت: محبت از عواطف اصیل انسانی است که با گریه انس دیرینه دارد. مثلاً محبت حقیقی به خداوند حسن آفرین است و برای قرب به او باید اشک محبت ریخت.

منما با غم عشق توجه تدبیر کنم تا به کی در غم تو ناله شبگیر کنم

۴- گریه معرفت و خشیت: انجام عبادات خالصانه و تفکر در عظمت آفرینش و کبریایی خداوند، و همچنین اهمیت تکالیف و مسئولیتهای انسانی باعث می‌گردد که نوع خاصی از خوف، در درون انسان ایجاد شود و این خوف، خوفی است که از روی معرفت به خداوند و تهذیب نفس به دست می‌آید که «خشیت» نامیده می‌شود.

۵- گریه ندامت: از عوامل اندوه زدایی که منجر به گریه می‌گردد، محاسبه نفس و حسابرسی شخصی است، و همین حسابرسی باعث می‌شود که انسان به گذشته خود فکر کند و با حسابرسی، جبران کوتاهی و خطاها را بکند و اشک حسرت و ندامت از چشمانش جاری نماید، این گریه، نتیجه توبه و بازگشت به خداست.

اشک می‌غلند به مژگانم به جرم رو سیاهی ای پناه بی پناهان، مو سپید روسیاهم

روز و شب از دیدگان اشک پشیمانی فشانم تا بشویم شاید از اشک پشیمانی گناهم

۶- گریه پیوند با هدف: گاهی قطره‌های اشک انسان، پیام آور هدفهاست. گریه بر شهید از این نوع گریه است. گریه بر

شهید خوی حماسه را در انسان زنده می‌کند و گریستن بر سیدالشهدا علیه السلام خوی حسینی را در انسان احیا می‌کند ، و خوی حسینی چنان است که نه ستم می‌کند و نه ستم می‌پذیرد. آن کسی که با شنیدن حادثه کربلا قطره اشکی از درون دل بیرون می‌فرستد، صادقانه این پیوند با هدف والای سیدالشهدا علیه السلام را بیان می‌کند.

۷- گریه ذلت و شکست : گریه افراد ضعیف و ناتوانی که از رسیدن به اهداف خود مانده‌اند و روح و شهامتی برای پیشرفت در خود نمی‌بینند.

با ذکر این مطلب، حال باید بررسی کرد که گریه بر حسین علیه السلام از چه نوع گریه است . هر کس با اندک توجهی خواهد دانست که گریه بر حسین علیه السلام گریه محبت است ، آن محبتی که در دل‌های عاشقانش به ثبت رسیده است . گریه بر او ، گریه شوق است ، زیرا قسمت زیادی از حماسه‌های کربلا، شوق آفرین و شورانگیز است و به دنبال آن سیلاب اشک شوق به خاطر آن همه رشادت، فداکاری ، شجاعت و سخنرانیه‌های آتشین مردان و زنان به ظاهر اسیر ، از دیدگان شنونده سرازیر می‌گردد و نیز گریه معرفت و پیوند با هدف متعالی و انسان ساز او است؛ و به تعبیر امام خمینی (ره) گریه سیاسی است که فرمود: «ما ملت گریه سیاسی هستیم ، ما ملتی هستیم که با همین اشکها سیل جریان می‌دهیم و سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است خرد می‌کنیم» .

هزار سال فزون شد ز وقعه عاشورا ولی ز تعزیه هر روز، روز عاشورا است

هیئات که گریه بر حسین علیه السلام گریه ذلت و شکست باشد، بلکه گریه پیوند با سرچشمه عزت است، گریه امت نیست، که گویا است ، گریه سرد کننده نیست ، که حرارت بخش

است، گریه بزدلان نیست، که گریه شجاعان است، گریه یأس و ناامیدی نیست که گریه امید است، و بالاخره گریه معرفت است و گریه معرفت در عزای حسین علیه السلام از انحراف و تحریف در قیام آن حضرت جلوگیری می کند و شاید به همین جهت باشد که در فضیلت گریه بر سیدالشهدا علیه السلام روایات متعددی وارد شده است. از آن جمله، روایتی است که امام صادق علیه السلام فرمود: «گریه و بی تابی در هر مصیبت برای بنده مکروه است، مگر گریه بر حسین بن علی علیه السلام که اجر و ثواب نیز دارد»

۸۰

گریه و عزاداری برای سیدالشهدا علیه السلام دارای آثار و برکات مهمی است که به برخی از آنها اشاره می شود:

3E20Y "BYT ~e0 CFY -

از ارزنده‌ترین آثار و برکات مجالس عزاداری و گریه بر ابی عبدالله حسین علیه السلام حفظ رمز نهضت حسینی است .

به راستی ؛ چرا در دوران منحوص سلاطین و پادشاهان جور از برپایی مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام به خصوص سالار شهیدان جلوگیری می شد؟ آیا نه این است که عزای حسینی و امامان شیعه، سبب می شود که سخنوران و دانشمندان متعهد و انقلابی، مردم را از ظلم‌های حکومتها آگاهی دهند و انگیزه قیام آن حضرت که امر به معروف و نهی از منکر است به اطلاع مردم برسد؟

آری، اینگونه مجالس، آموزشگاهها و دانشگاههایی است که به بهترین روش و زیباترین اسلوب مردم را به سوی دین خوانده و عواطف را آماده می‌کند و جاهلان و بی‌خبران را از خواب سنگین غفلت بیدار می‌سازد و نیز در این مجالس است که مردم، دیانت را همراه با سیاست، از مکتب حسین بن علی علیه السلام می‌آموزند.

گریه بر سید الشهداء علیه السلام و تشکیل مجالس عزای حسینی نه تنها اساس مکتب را حفظ می‌کند، بلکه باعث می‌گردد شیعیان با حضور در این مجالس از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شده و در جهت حسینی شدن رشد و پرورش یابند.

کدام اجتماعی است که در عالم چنین اثری را از خود بروز داده باشد؟ کدام حادثه‌ای است مانند حادثه جانسوز کربلا که از دوره وقوع تاکنون و بعدها بدینسان اثر خود را در جامعه بشریت گذارده ، و روز به روز دامنه آن وسیعتر و پیروی و تبعیت از آن بیشتر گردد؟ از این رو باید گفت که در حقیقت مراسم عزاداری حافظ و

زنده نگهدارنده نهضت مقدس امام حسین علیه السلام و در نتیجه حافظ اسلام و ضامن بقای آن است .

تشکیل مجالس عزاداری حسین، نه تنها اساس مکتب را حفظ کرده و می‌کند بلکه به علاوه سبب آن گردید که شیعیان با حضور در این مجالس از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شده و در جهت حسینی شدن رشد و پرورش یابند.

«موریس دوکبری» می‌نویسد: «اگر مورخین ما، حقیقت این روز را می‌دانستند و درک می‌کردند که عاشورا چه روزی است، این عزاداری را مجنونانه نمی‌پنداشتند. زیرا پیروان حسین به واسطه عزاداری حسین می‌دانند که پستی و زیر دستی و استعمار را نباید قبول کنند. زیرا شعار پیشرو و آقای آنان تن به زیر بار ظلم و ستم ندادن است.

قدری تعمق و بررسی در مجالس عزاداری حسین نشان می‌دهد که چه نکات دقیق و حیات بخشی مطرح می‌شود، در مجالس عزاداری حسین گفته می‌شود که حسین علیه السلام برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام، از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی یزید نرفت؛ پس بیایید، ما هم شیوه او را سرمشق قرار داده از زیر دستی استعمار گرایان خلاصی یابیم و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم...»^{۸۶}.

١٩٥٨ - ١٩٦٩

یکی دیگر از آثار و برکات مجالس عزاداری سیدالشهدا علیه السلام این است که مردم در سایه مراسم عزاداری به حقیقت اسلام آشنا شده و بر اثر تبلیغات وسیع و گسترده‌ای که همراه با این مراسم انجام می‌گیرد، آگاهی توده مردم بیشتر شده و ارتباطشان با دین حنیف محکمتر و قویتر می‌گردد. چه اینکه قرآن و عترت دو وزنه نفیسی هستند که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند و این آگاهی در اقامه ماتم و مراسم سوگواری عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خصوص امام حسین علیه السلام به آحاد مردم داده خواهد شد.

□ - ٲٲٲٲٲٲ ٲٲٲٲٲ

ریان بن شیب از امام رضا ٲٲٲٲٲ روایت کرده که فرمود: «ای ٲسر شیب ، اگر بر حسین ٲٲٲٲٲ گریه کنی تا آنکه اشک چشمت بر صورتت جاری شود، خداوند گناهان کوچک و بزرگ، و کم یا زیاد تو را می آمرزد»^{٨٧} و نیز فرمود: «گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین ٲٲٲٲٲ گریه کنند ، زیرا گریستن برای او گناهان بزرگ را فرو می ریزد»^{٨٩}.

□ - ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ ٲٲٲٲ

امام باقر علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که در سوگ حسین علیه السلام اشک دیده ریزد، به حدی که بر گونه اش جاری گردد، خداوند او را سالیان سال در غرفه های بهشت مسکن می دهد»^{۹۰}.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در باره حسین علیه السلام شعری بخواند و گریه نماید و یک نفر را بگریاند، بهشت برای هر دوی آنها نوشته می شود. کسی که حسین علیه السلام نزد او ذکر شود و از چشمش به مقدار بال مگسی اشک آید، اجر او نزد خداست و برای او جز به بهشت راضی نخواهد شد»^{۹۱}.
و نیز فرمود: «هر کس که در عزای حسین علیه السلام بگرید یا دیگری را بگریاند و یا آنکه خود را به حالت گریه و عزا در آورد، بهشت بر او واجب می شود»^{۹۲}.

یکی دیگر از آثار و برکات مجالس عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام شفا گرفتن است . به طوری که بارها دیده ایم و شنیده ایم که بعضی از عزاداران و گریه کنندگان بر حسین علیه السلام شفا گرفته اند .

نقل است که مرجع بزرگ شیعه مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در سن نود سالگی دارای چشمانی سالم بودند که بدون عینک خطوط ریز را هم می خواندند و می فرمودند: این نعمت را مرهون وجود مبارک حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام هستم : و قضیه را چنین نقل می فرمودند:

در یکی از سالها در بروجرد بودم ، به چشم درد عجیبی مبتلا شدم که بسیار مرا نگران ساخته بود . معالجه پزشکان فایده ای نکرد و درد چشم هر روز بیشتر و ناراحتی من افزونتر می گردید ، تا اینکه ایام محرم شد . در ایام محرم آیه الله فقید ، دهه اول را روزه داشتند و دسته های مختلف هم در این عزاداری شرکت می کردند . یکی از دسته هایی که روز عاشورا به خانه آقا وارد شده بود ، « هیئت گلگیرها » است که نوعاً سادات و اهل علم و محترمین هستند ، در حالی که هر يك حوله سفیدی به کمر بسته اند ، سر و سینه خود را گل آلود کرده و به طور بسیار رقت بار و مهیج و در عین حال با سوز و گداز فراوان و ذکری جانسوز آن روز را تا ظهر عزاداری می کنند . آقا فرمودند:

« هنگامی که این دسته به خانه من آمدند و وضع مجلس با ورود این هیئت هیجان عجیبی به خود گرفته بود من هم در گوشه ای نشسته و آهسته آهسته اشک می ریختم و در این بین هم مقداری گل از روی پای یکی از

همین افراد گلگیر برداشته و بر روی چشمهای ملتهب و ناراحتم کشیدم، و به برکت همین توسل، چشمانم خوب شد و امروز علاوه بر اینکه مبتلا به درد چشم نشدم، از نعمت بینایی کامل برخوردارم، و به برکت حضرت امام حسین علیه السلام احتیاج به عینک هم ندارم». با اینکه همه قوای جسمانی ایشان تحلیل رفته بود با این وجود تا آخرین ساعات زندگانی از بینایی کامل برخوردار بودند.

“Θαῦται ἡ τῆς Ἐφῆς ὑψηλῆς -
“Ἐστὶ ἡ ὑψηλῆς

رسول اکرم ﷺ به فاطمه زهرا (س) فرمود: «هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر چشمی که برای مصائب حسین علیه السلام گریه کرده باشد، چنین کسی در قیامت خندان و شادان به نعمت‌های بهشتی است». ^{۹۳}
آن روز دیده‌ها همه گریان شود ز هول جز چشم گریه کرده به سوگ و عزای او

- ٲٲٲ ٲٲٲ ٲٲٲ ٲٲٲ ٲٲٲ ٲٲٲ ٲٲٲ ٲٲٲ ٲٲٲ ٲٲٲ ٲٲٲ

مسمع گوید: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:
آیا متذکر می شوی با حسین چه کردند؟ عرض
کردم : آری ، فرمود: آیا جزع و گریه
می کنی؟ گفتم : آری ، به خدا سوگند گریه
می کنم و آثار غم و اندوه در صورتم ظاهر
می شود حضرت فرمود: «خدا اشک چشمت را
رحمت کند . آگاه باش که تو از آن اشخاصی
هستی که از اهل جزع برای ما شمرده
می شوند، به شادی ما شاد و به حزن ما
محزون و اندوهناک می گردند. آگاه باش که
به زودی هنگام مرگ، پدرانم را بر بالین
خود حاضر می بینی ، در حالی که به تو
توجه کرده و ملك الموت را درباره تو
بشارت می دهند، و خواهی دید که ملك
الموت در آن هنگام از هر مادر مهربان به
فرزندش ، مهربانتر است» سپس فرمود: «کسی
که بر ما اهل بیت به خاطر رحمت و مصائب
وارد بر ما گریه کند، رحمت خدا شامل او
می شود قبل از اینکه اشکی از چشمش خارج
گردد؛ پس زمانی که اشک چشمش بر صورت
جاری شود اگر قطره ای از آن در جهنم
بریزد، حرارت آن را خاموش کند، و هیچ
چشمی نیست که گریه کند بر ما مگر آنکه
با نظر کردن به کوثر و سیراب شدن با
دوستان، خوشوقت می گردد» .^{۹۴}
با توجه به این روایت شریف باید
گفت: جایی که آتش جهنم که قابل مقایسه با
آتش دنیا نیست و به وسیله گریه بر حسین
علیه السلام خاموش و برد و سلام گردد ، پس اگر در
موردی، آتش ضعیف دنیا عزادار حسینی را
نسوزاند جای تعجب نیست .
سید جلیل مرحوم دکتر اسماعیل مجاب
(دندانساز) عجایبی از ایام مجاورت در
هندوستان که مشاهده کرده بود نقل می کرد،

از آن جمله می‌گفت : عده‌ای از بازرگانان هندو (بت پرست) به حضرت سیدالشهدا علیه السلام معتقد و علاقه مندند و برای برکت مالشان با آن حضرت شرکت می‌کنند، یعنی در سال مقداری از سود خود را در راه آن حضرت صرف می‌کنند. بعضی از آنها روز عاشورا به وسیله شیعیان ، شربت و پالوده و بستنی درست کرده و خود به حال عزا ایستاده و به عزاداران می‌دهند، و بعضی آن مبلغی که راجع به آن حضرت است را به شیعیان می‌دهند تا در مراکز عزاداری صرف نمایند. یکی از آنان را عادت چنین بود که همراه سینه زنها حرکت می‌کرد و با آنها به سینه زدن مشغول می شد. وقتی از دنیا رفت، بنا به مرسوم مذهبی خودشان، بدنش را با آتش سوزانیدند تا تمام بدنش خاکستر شد جز دست راست و قطعه‌ای از سینه‌اش که آتش، آن دو عضو را نسوزانیده بود.

بستگان آن دو عضو را آوردند نزد قبرستان شیعیان و گفتند: «این دو عضو راجع به حسین شماس»^{۹۰}.

3E2QY zÜ~d Θh {hyθε eQ# e2KİF -

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی نیست که برای حسین علیه السلام شعری بسراید و گریه کند یا بگریاند مگر اینکه خداوند بهشت را بر او واجب کرده و گناهایش را می‌آمرزد»^{۹۶}.
سخنی با حسین علیه السلام

«حسین! ای پرچم خونین حق بر دوش،
حسین! ای انقلابی مرد
حسین! ای رایت آزادگی در دست،
در آن صحرای سرخ و روز آتشگون
قیام قامتت در خون نشست، اما
پیام نهضت برخاست
از آن طوفان در روز عاشورا،
به دشت «نینوا» نای حقیقت از «نوا»
افتاد

ولی ...
مرغ شباهنگ حقیقت، از نوای ناله «حق»
، حق «نمی‌افتد».

سلام بر تو، ای حسین!
سلام بر خط شفقگون کربلا، که خون تو را،
ای خون خدا همواره بر چهره افق می‌پاشد و
غروب هنگام، سرخی آسمان مغرب را به
شهادت می‌گیرد، تا آن جنایت هولناک را
هر چه آشکارتر بنمایاند و چشم تاریخ را
بر این صحنه همیشه خونین بدو زد و گوش
زمان را از آن فریادهای تندر گونه آن
عاشورای دوران ساز، پر کند.

ای حسین ... ای عارف مسلح!
کربلای تو، عشق را معنی کرد و انقلاب تو
اسلام را زنده ساخت و شهادت تو، حضور
همیشگی در همه زمان‌ها و زمین‌ها بود.
ای حسین ... ای شراره ایمان!
ای حسین ... ای در سکوت سرخ ستم، شهر
آشوب!

در بهت خاموشی و ترس، تلخابه فریاد را
در حلقوم شب ریختی و با نامردان تبه‌کار
، مردانه در آویختی.

عاشورای تو، انفجاری از نور و تابشی
از حق بود که بر «طور» اندیشه‌ها تجلی
کرد و «موسی خواهان» گرفتار در «تپه»
ظلمت ظلم را از سرگردانی نجات بخشید.

چه می‌گویم؟ ... تو تاریخ را به حرکت
آوردی و زبان زمان را به سرودن حماسه‌های
زیبای ایثار و جهاد و شهادت گشودی .
لحظه لحظه تاریخ را عاشورا ساختی و جای
جای سرزمین‌ها را کربلا...

خفته بودیم و بی خبر ... اما تو، این
«مصباح هدایت» و ای «کشتی نجات» گام
خسته ما را به تلاش کشاندی و افسردگی
یآسمان را به شور امید مبدل ساختی و از
سکوت و درنگ و وحشت ، به فریاد و هجوم و
شجاعت‌مان رساندی و پای کوفته و پر آبله
ما را، تابام آگاهی و تا برج بیداری فرا
بردی. ^{۹۷}

«ای حسین» ...

تو کلاس فشرده تاریخی .

کربلای تو، مصاف نیست

منظومه بزرگ هستی است ،

طواف است.

پایان سخن

پایان من است

تو انتهای نداری ... ^{۹۸}

والسلام

پی نوشتها:

۸۵ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج ۱۰ ص ۳۹۳

۸۶ بحارالانوار ، علامه مجلسی ، ج ۴۴ ص ۲۸۴

۸۷ منتخب کامل زیارات ، ابن قولویه ، ص ۱۶۵

- ۸۸ منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص ۱۶۸
۸۹ جلاء العیون ، علامهء مجلسی ، ص ۴۶۲
۹۰ بحارالانوار ، علامهء مجلسی ، ج ۴۴ ص ۲۹۳
۹۱ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج ۱۰ ص ۳۹۷
۹۲ داستانهای شگفت ، آیت الله شهید دستغیب ، ص ۹
۹۳ اختیار معرفة الرجال ، شیخ طوسی ، ۸۹
۹۴ خلاصه ای از مقالهء نوشتهء جواد محدثی .
۹۵ موسوی گرمارودی .

فهرست مطالب

مقدمه	2
فصل اول : آثار و برکات فردی سیدالشهدا علیه السلام	4
۱- چراغ هدایت و کشتی نجات	4
۲- محبت مکنون	6
سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> ، پدر امامان نه گانه	8
۴- شفاعت	10
۵- دوستاناران حسین و دوستان دوستداران او بهشتی اند	13
۲-فصل دوم: آثار و برکات اخلاقی - تربیتی سید الشهداء علیه السلام	15
۱- ایجاد اخلاق جدید در جامعه مسلمین	15
۲- احساس گناه در بین مسلمین	17
۳-ازدیاد محبوبیت سید الشهداء علیه السلام و خاندان وحی	19
فصل سوم: آثار و برکات سیاسی - اجتماعی سید الشهداء علیه السلام	21
۱- بقای شریعت اسلام	21
۲- تفسیر و احیای اسلام و امر به معروف و نهی ازمنکر	25
۳- دمیدن روح استقامت و آزادیخواهی	29
۴- قیام حسینی الگوی قیامهای مقدس دیگر	31
۵- بیداری خفتگان	36
۶- شکست یزید و یزیدیان	41
۷- رهایی از جهالت و ضلالت	43
۴-فصل چهارم: آثار و برکات زیارت سیدالشهداء علیه السلام	46
سخنی پیرامون زیارت سیدالشهدا علیه السلام	46
۱- آرامش بخشیدن به زائر	49
۲- در امان خدا بودن	50
۳- زائر خدا محسوب شدن	51
۴- برآورده شدن حاجات و دفع پریشانی	52
۵- زیادتی در عمر و رزق	53
۶- آمرزش گناهان	54
۷- محسوب نشدن ایام زیارت از عمر زائر ..	55
۸- حفاظت زائر در دنیا و آخرت	56
۹- عنایت و توجه سیدالشهدا علیه السلام ...	57

- ۱۰- خیر و برکت زیاد 58
- ۱۱- برابری زیارت قبر حسین علیه السلام با حج 59
- ۱۲- نام زائر در اعلی علیین ثبت می‌شود .. 60
- ۱۳- غرق شدن در رحمت الهی 61
- ۱۴- دعای معصومین برای زائر 62
- ۱۵- تجلی خدا 63
- ۱۶- سعادت 64
- ۱۷- تأثیر زیارت در روز عاشورا 65
- ۱۸- قرار گرفتن در جوار پیامبر و علی و فاطمه علیه السلام امام صادق علیه السلام .. 66
- ۱۹- تأثیر زیارت در روز قیامت 67
- ۲۰- رهایی از شداید قیامت 68
- ۲۱- نجات از آتش جهنم 69
- ۵-فصل پنجم : آثار و برکات مرقد شریف سیدالشهداء علیه السلام 71
- سخنی پیرامون مرقد سیدالشهدا علیه السلام . 71
- ۱- مرقد حسینی ، نیروبخش است 75
- ۲- محل نزول فرشتگان الهی 76
- ۳- نماز قبول می‌شود 77
- ۴- تمام خواندن نماز 78
- ۵- اجابت دعا و برآورده شدن حاجت 79
- ۶-فصل ششم : آثار و برکات تربت پاک سید الشهداء علیه السلام 80
- سخنی پیرامون تربت سیدالشهدا علیه السلام . 80
- ۱- تأثیر تماس اعضای بدن با تربت 82
- ۲- سجده بر تربت 83
- ۳- شفا یافتن 85
- ۴- تأثیر کام برداشتن اطفال با تربت 88
- ۵- تأثیر تربت حسین ، همراه جنازه 89
- ۶- تسبیح تربت 90
- ۷-فصل هفتم : آثار و برکات عزاداری و گریه بر سیدالشهداء علیه السلام 91
- سخنی پیرامون عزاداری و گریه بر سیدالشهدا علیه السلام 91
- ۱- حفظ رمز نهضت حسینی 95
- ۲- ازدیاد محبت به امام، و تنفر از دشمنان آن حضرت 97
- ۳- آشنایی با حقیقت دین و نشر آن 98
- ۴- آمرزش گناهان 99
- ۵- سکونت در بهشت 100

101	۶- شفا یافتن
	۷- گریه کننده بر حسین، در قیامت گریان
103	نیست
104	۸- امان از سكرات موت و آتش دوزخ
106	۹- تأثیر شعر سرودن در عزای حسینی
109	فهرست مطالب